

عقیده

مدرسه علمیه حضرت زینب علیها سلام مشهد
فصلنامه داخلی پژوهشی (مجموعه مقالات) عقیده
سال بیست و چهارم | شماره ۴۴ | تابستان ۱۴۰۰

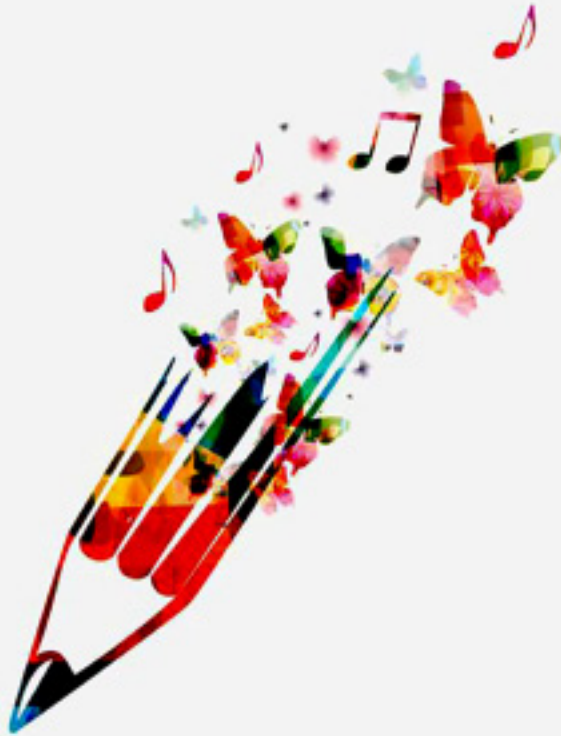


- معیار طراحی لباس در اسلام
- مبانی فطری پوشش و حجاب با توجه به آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام
- تبیین عقل‌گرایی در طراحی لباس‌های جدید (با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری)
- نقد و بررسی لباس ملی
- ماهیت عرف و پوشش و رابطه آنها



صاحب امتیاز: مدرسہ علمیہ حضرت زینب علیہا السلام
مدیر مسؤل: مرضیہ پارسائی راد “رئوف“
سر دبیر: سیدہ اعظم التفاتی فاز
مدیر اجرایی: الہام عبدی
طراح و صفحہ آرا: زهرانجفی
باسپاس ویژه از استاد ارجمند سرکار خانم عزیزى -
مسؤل واحد پژوهش (خانم وحید) و خانم محسنی که ما را در تهیه و
تنظیم این شماره نشریہ یاری دادند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست مطالب

۴ | سرمقاله

۶ | معیار طراحی لباس در اسلام

۲۴ | مبانی فطری پوشش و حجاب با توجه به آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام

۳۴ | تبیین عقل‌گرایی در طراحی لباس‌های جدید (با تاکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری)

۵۳ | نقد و بررسی لباس ملی

۷۳ | ماهیت عرف و پوشش و رابطه آنها

مقاله

سخن سردبیر

«شکل لباس، چه پوشیدن، چگونه پوشیدن و از کدام الگوی پوشش استفاده کردن، جزء مصادیق و نمونه‌های بارز فرهنگ عمومی جامعه است که در مسیر زندگی و حرکت‌های آینده یک ملت در درازمدت تأثیر دارد. هیچ دستگاه قدرتمندی، بدون آنکه فرهنگ مردم و بینش آن‌ها را اصلاح کند، نمی‌تواند در جامعه‌ای، علم و کار، تلاش و سعی، نوآوری و تعامل خوب و برادرانه، معرفت به انسان، طبیعت و تاریخ و راه‌های زندگی را ایجاد کند. این‌ها صفاتی است که در صدر اسلام، از یک جماعت کوچک، یک ملت عظیم و مقتدر درست کرد. در حقیقت آنچه در آغاز، از پیشرفت و ترقی برای انسان‌ها به‌وجود آمد، ناشی از همین فرهنگ اسلامی بود»

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار وزیر و مسئولان «وزارت ارشاد» و «اعضای شوراهای فرهنگ عمومی کشور» ۱۳۷۴/۰۴/۱۹

پوشش یکی از موضوعات زیر بنایی و اصلی در مباحث دینی محسوب می‌شود و در قرآن کریم نیز به آن اشارات مستقیم شده است، از این رو یکی از مهمترین و اساسی‌ترین موضوعات در سبک زندگی اسلامی، موضوع پوشش به شمار می‌رود و اندیشمندان و متولیان امور فرهنگی نیز نسبت به اصل پوشش و موضوعات پیرامونی آن دغدغه مند بوده و نظریه پردازی می‌کنند.

یکی از سوالاتی که مقام معظم رهبری در دیدار با مردم خراسان شمالی در مجموعه سوالات مرتبط با سبک زندگی اسلامی به آن اشاره نمودند همین موضوع پوشش بود:

«طراحی لباسها... چقدر منطقی و عقلانی است؟»

پرداختن به این موضوع توسط رهبر انقلاب در کنار مسایل مهم و زیر بنایی جامعه بیانگر اهمیت این موضوع است و توجه و دقت ویژه ای را از سوی پژوهشگران و متولیان تربیتی و فرهنگی جامعه می طلبد، تا ضمن بسط موضوع با بیان ابعاد آن و مباحث پیرامونی آن، به شبهات مرتبط با پوشش پاسخ داده شود و به سطح دانش و بینش مخاطبان نیز عمق بخشیده شود.

نشریه عقیده مدرسه علمیه حضرت زینب سلام الله علیها، با درک این ضرورت و در ادامه پرداختن به سوالات مطروحه توسط مقام معظم رهبری در دیدار با مردم خراسان شمالی در سال ۱۳۹۱ بر خود فرض دانسته است که

از ظرفیت علمی پژوهشگران و هیات تحریریه خود در این راستا بهره بگیرد و به همین منظور در شماره ۴۴ این نشریه موضوع طراحی لباس و پوشش را به شکل ویژه مورد بررسی قرار داده است. موضوع مقالات این شماره عبارتند از:

تجدد و نوگرایی در پوشش زنان و مردان در عصر معصومین علیهم السلام (با تاکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری)، نقد و بررسی لباس ملی (با تاکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری)،

معیار طراحی لباس در اسلام (با تاکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری)،

مبانی فطری پوشش و لباس (با تاکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری)

که امید است مورد توجه و استفاده مخاطبان محترم قرار گیرد.

معیار طراحی لباس در اسلام

فاطمه ترابی - کارشناسی ارشد

چکیده

پوشاندن است که حدود و کلیات آن در اسلام بیان شده است اما سایر مسائل از قبیل جنس، رنگ، طرح و... به عرف و آنگار گردیده است.

این مقاله به بررسی ویژگی های طراحی لباس از منظر اسلام می پردازد یکی از مباحث اصلی که از زمان خلقت مطرح بوده پوشیدگی است که قرآن کریم در این زمینه داستان آفرینش حضرت آدم (علیه السلام) را بیان می کند؛ موضوعی که نشان دهنده ی نیاز درونی و فطرت انسان ها نسبت به پوشیدگی است. لباس نعمتی الهی مانند سایر نعمت هاست که به جا آوردن حق این نعمت در سایه ی اطاعت از دستورهای الهی میسر است. باید گفت لباس از منظر اسلام وسیله است نه هدف.

مهم ترین ویژگی های طراحی لباس

زنده کننده ی یاد خدا در دل، پوشاندگی، زیبایی، متناسب با شئون فردی و اجتماعی و کپی برداری از لباس دشمنان نباشد (مروج فرهنگ غربی نباشد).

کلیدواژگان: لباس، پوشش، مدگرایی، زیبایی، شخصیت، معیار، طراحی لباس.

مقدمه

از آن جا که لباس، نعمتی است که خدوند آن را به انسان عطا کرده است و

اسلام ویژگی ها و معیارهایی را برای لباس مطرح کرده است. در تعالیم دینی، مهم ترین کارکرد لباس، مسأله ی

در زبان فارسی برای لباس از واژه‌های «پوشش»، «تن پوش» و پوشاک استفاده می‌شود و فعل «پوشاندن» و «پوشیدن» را به کار می‌برند که حاکی از نگاه تمدن ایرانی به هنر و صنعت لباس است.^۳

در سیاق قرآنی، «لباس» نیز به «تاریکی شب» تشبیه شده است. در سوره‌ی فرقان آیه ۴۷ چنین آمده است: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا؛ او کسی است که شب را لباسی برای شما قرار داده است». از آن جا که شب فراگیر است و تمام نقاط فرورفته در تاریکی را به طور یکنواخت می‌پوشاند، از آن جهت به «لباس» تعبیر شده است.^۴ در سوره‌ی بقره آیه ۱۸۷، همسران به عنوان لباس یکدیگر توصیف شده‌اند^۵ چرا که هر یک از زن و شوهر، طرف مقابل خود را از رفتن به دنبال گناه و فساد و اشاعه دادن آن در بین افراد جلوگیری می‌کند^۶ با توجه به تعاریف لغوی این واژه و دقت در سیاق قرآنی، این مطلب درک می‌شود که هر پوششی لباس است.^۷

و در بطن معنایی آن پوشاندگی نهفته است که به کارکرد اصلی و مهم لباس اشاره دارد.

به جا آوردن حق کامل این نعمت در سایه اطاعت از فرامین پروردگار میسر است. از طرفی لباس و طراحی آن، ابزاری است برای اینکه دشمن از این طریق ضربه‌ی مهلک خود را بر اسلام وارد ساخته و فرهنگ غربی را جایگزین فرهنگ اسلامی کند. لذا توجه به لباس و طراحی آن، از اهمیت خاصی برخوردار است.

این مقاله در ابتدا به مفهوم شناسی لباس، اهمیت و ضرورت لباس و طراحی آن می‌پردازد. در ادامه، ویژگی‌های طراحی لباس اسلامی بیان می‌گردد.

مفهوم شناسی لباس

یکی از واژه‌های قرآنی، لباس است که ۲۳ بار همراه با مشتقاتش در قرآن تکرار شده است. در کتب لغت، ذیل واژه‌ی «لباس» آمده است: «لباس، هر آن چیزی که صلاحیت پوشش و پوشانیدن را داشته باشد اعم از پیراهن و چیزهای دیگر»^۱ در کتاب مفردات راغب «لباس، لبوس و لبس» هر سه به معنای پوشیدن، پوشیدنی آمده است.^۲

پیشینه لباس در اسلام

یکی از مباحث بسیار مهم و اساسی که از زمان خلقت تاکنون مطرح بوده، موضوع پوشیدگی انسان‌ها در برابر یکدیگر می‌باشد. قرآن کریم در این زمینه داستان آفرینش حضرت آدم و حوا (علیهم‌السلام) را به تصویر می‌کشد، و در آن به نیاز درونی آن‌ها نسبت به پوشیدگی اشاره می‌کند. این مسأله نشان می‌دهد که تمایل به پوشیدگی ناشی از عمق جان انسان‌ها و فطرت درونی آن‌هاست.

قرآن کریم پس از بیان مسأله حضرت آدم و حوا (علیهم‌السلام) در بهشت^۱ و تأکید خداوند بر دوری از آن درخت ممنوعه، ماجرای وسوسه شیطان را چنین ترسیم می‌کند: «فوسوس لهما الشیطان...»^۲ شیطان آدم را وسوسه کرد تا زشتی هایشان آشکار شود و آن دو نیز به سبب این تعریف از میوه درخت ممنوعه تناول کردند. در این هنگام اندام هایشان (عورت هایشان) بر آن‌ها آشکار شد و آنان بر آن شدند تا با برگ‌های (درختان) بهشت خود را بپوشانند.

در ادامه خداوند خطاب به همه‌ی انسان‌ها می‌گوید: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ»^۳

این آیه از جمله آیاتی است که اشاره به لباس مادی و غیرمادی (ظاهری و معنوی) دارد.

این آیه دارای نکات مهمی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱. برهنگی عملی ناپسند است.

هنگامی که شیطان تصمیم به فریب حضرت آدم و حوا (علیهم‌السلام) نمود، قصدش این بود که با اغفال و فریفتن آن‌ها، زمینه‌ی برهنگی آنان را فراهم سازد تا با از دست دادن پوشش، از بهشت دور شوند. پس می‌توان به زشتی و قبح برهنگی در منظر خداوند پی برد.

۲. برهنگی محصول و فعالیت‌های شیطان است.

شیطان در صدد است تا با وسوسه در فرزندان حضرت آدم (علیه‌السلام) زشتی‌های

همان زینت و زیبایی است اشاره کرده است و از کارکرد مهم و اساسی لباس که پوشاندن زشتی های (عورت) است غافل مانده است. از طرفی اسلام با مسأله زیبایی و زینت در لباس مخالف نیست. اما آنچه که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که این زینت در لباس نباید به گونه ای باشد که زمینه تبرج و تحریک کننده ی شهوات نامحرم را فراهم کند و الا اصل زیبایی مورد تاکید اسلام است چرا که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

اهمیت لباس و طراحی آن از منظر اسلام

در تعالیم دینی، لباس و طراحی آن در راستای حدود الهی و از ابتدای خلقت مطرح بوده است. لباس یکی از نعمت های الهی است که علاوه بر بعد حفاظتی از سرما و گرما و اعطای آن به انسان به عنوان کامل کردن نعمتی است که زمینه اطاعت پذیری فرامین پروردگار را فراهم می کند. این مطلب در آیه ی ۸۱ سوره ی نحل بیان شده است. «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظَلَالًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْجِبَالِ اَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُم سَرَائِلَ تَقِيْكُمْ الْحَرَّ وَسَرَائِلَ تَقِيْكُمْ

آنان را آشکار می سازد. از جمله ی زشتی ها، برهنگی است.

۳. انسان فطرتاً، برهنگی را قبیح می شمارد و از آن گریزان است.

این رو حضرت آدم و حوا (علیهم السلام) بعد از ظهور و زشتی هایشان، خود را با برگ درختان پوشاندند.^{۱۱}

آن چه از آیات فوق به دست می آید تاکید بر اصل پوشیدگی است که ملازم با فطرت و نیاز درونی انسان هاست.

این آیه در واقع پاسخ به کسانی است که معتقدند لباس ابتدا برای زینت طراحی شده است.

ویل دورانت در این زمینه می نویسد: «ظن غالب آن است که لباس در ابتدا برای زینت ایجاد شده و بیش تر برای آن بوده که از ارتباط جنسی جلوگیری یا آن را تشدید نماید، نه برای دفع سرما و حفظ عورت و... به این معنا که مقصود تنها پوشاندگی نیست بلکه می خواهد لباس، اندام او را در نظر دیگران آشکارتر نمایش دهد... هر دو جنس از زن و مرد پیش از آن که به فکر پوشاندن فرد بیفتند، در بند زینت خود بودند»^{۱۲}

ویل دورانت به کارکرد دیگر لباس که

بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يَتِمُّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ»؛ و برای شما پیراهن‌هایی آفریده، که شما را از گرما (و سرما) حفظ می‌کند؛ و پیراهن‌هایی که به هنگام جنگ، حافظ شماست؛ این گونه نعمت‌هایش را بر شما کامل می‌کند، شاید تسلیم فرمان او شوید! از نظر امام صادق (علیه السلام) نیز لباس به عنوان نعمتی از جانب خداوند است که زشتی‌های او به واسطه آن (لباس) پوشانده می‌شود و تنها به انسان اختصاص داده شده است: «وَ أَمَّا اللَّبَاسُ الظَّاهِرُ فَنِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى تُسْتَرُّ بِهَا عَوْرَاتُ بَنِي آدَمَ وَ هِيَ كِرَامَةٌ أَكْرَمَ اللَّهُ بِهَا ذُرِّيَّةَ آدَمَ لَمْ يُكْرَمْ بِهَا غَيْرُهُمْ...»^۳؛ لباس مادی (لباس ظاهری) نعمتی از جانب خداوند است تا به وسیله‌ی آن، زشتی‌های انسان پوشانده شود. نعمتی که از میان جانداران گوناگون، تنها به انسان داده شده است.»

اهمیت لباس تا آنجاست که شیطان با وسوسه‌هایش می‌خواهد انسان برهنه شود و اگر در این زمینه موفق نشود تلاش دارد تا از طریق افراط و تفریط در پوشش، او را از مسیر اصلی عبودیت خارج کند. خداوند متعال در آیه ۲۷ سوره اعراف

می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتَهُمَا إِنَّهُ يَرَكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مَن حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ؛ ای فرزندان آدم! مبادا شیطان فریبتان دهد و آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد در حالی که با وسوسه خوردن از آن درخت لباس را از تن آن دو بر کند تا عورت‌هایشان را بر آنان آشکار کند همانا شیطان و قبیل‌اش شما را از این که آن‌ها نمی‌بینند، شیطان را سرپرستان کسانی که ایمان نمی‌آوردند، قرار دادیم.»

بعد دیگر اهمیت لباس از این جهت است که عاملی برای شناخته شدن افراد به عفاف و پاکدامنی یا مسائل دیگر است. که این معنا و مفهوم از آیه ۵۹ سوره ی احزاب^۴ فهمیده می‌شود.

اسلام کلیات و حدود لباس پوشیدن را بیان کرده است. مهم‌ترین اصل کارکرد لباس، پوشاندن عیوب و زشتی‌های انسان است. لباس هر فرد، مایه‌ی شخصیت اوست یعنی آن چیزی که انسان به واسطه‌ی آن اعتقادات، فرهنگ اجتماعی و آداب و رسوم خود را در معرض دید دیگران

قرار داده و با آن شناخته می‌گردد.

از این رو لباس هویت انسانی فردی را تشکیل می‌دهد. از منظر مقام معظم رهبری فرهنگ عمومی جامعه لباس و شکل (ظاهر) آن است. ایشان می‌فرمایند: «شکل لباس، چه پوشیدن، چگونه پوشیدن و از کدام الگوی پوشش استفاده کردن، جزو مصادیق و نمونه‌های بارز فرهنگ عمومی جامعه است که در مسیر زندگی و حرکت‌های آینده یک ملت در دراز مدت تاثیر دارد هیچ دستگاه قدرتمندی، بدون آن که فرهنگ مردم و بینش آن‌ها را اصلاح کند نمی‌تواند در جامعه‌ای، علم و کار، تلاش و سعی، نوآوری و تعامل خوب و برادرانه، معرفت به انسان، طبیعت و تاریخ و راه‌های زندگی را ایجاد کند. در حقیقت آنچه در آغاز از پیشرفت و ترقی برای انسان‌ها به وجود آمد، ناشی از همین فرهنگ اسلامی بود»^{۱۵}

اسلام

در مورد جزئیات پوشش از قبیل جنس، رنگ، طرح و... این موارد را به عرف و اگتار کرده است.

البته این حد عرفی باید در راستای حدود

الهی و به تناسب فرهنگ و قوم و ملتی در نظر گرفته شود.

پیشینه طراحی لباس در اسلام به حضرت ادریس (علیه السلام) برمی‌گردد. ایشان اولین کسی است که خیاطی کردند و لباس دوخته شده پوشیدند. مردم پیش از او، پوست به تن می‌کردند. خیاطی حضرت ادریس (علیه السلام)، همواره با یاد خدا همراه بود. حضرت در حین کار تسبیح و تکبیر می‌گفتند و آن قدر این عمل را انجام دادند که هر روز عمل او، هم وزن عمل همه‌ی مردم زمانش به آسمان صعود می‌کرد.^{۱۶}

یکی از نکات مهم در طراحی لباس، استفاده از هنر است که خداوند متعال از آن غفلت نکرده است. یکی از ویژگی‌هایی که قرآن برای لباس ذکر می‌کند، «عبقری» است. در قرآن تنها یک بار از واژه‌ی «عبقری» آمده است: «مُتَّكِنِينَ عَلَى رُفُوفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِي حِسَانٍ»^{۱۷} بر بالش‌های سبز و فرش‌های زیبا تکیه می‌زنند. راغب «عبقری» را نمونه‌ای از فرش‌های زیبامی‌داند.^{۱۸}

هرچیزی از فرش را عبقری گویند^{۱۹} در

مجمع البیان برای «عبقری» معادل‌های

دیگری از قبیل «زرابی، الطنافس الدیباچ، البسط» قرار داده اند. عبقری در واقع جامه‌ای که نقاشی شده باشد.^{۲۰}

استفاده از هنر در طراحی لباس، تلطیف روح و ارضای حس زیبایی شناختی جامعه است.^{۲۱}

این نکته حائز اهمیت است که طراحان لباس از توجه به هنر به عنوان یک عنصر هویت بخش غفلت ورزیدند.

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «هنر زبان رسایی دارد. نه زبان علم، نه زبان معمولی و نه زبان موعظه به رسایی زبان هنر نیست. یکی از رازهای موفقیت قرآن، هنری بودن آن است فوق العاده است؛ واقعا آن وقت مردم را مسحور کرد و الا اگر پیامبر بدون زبان هنر می‌نشست با مردم همین طور حرف می‌زد، البته عده‌ای علاقه مند پیدا می‌کرد اما آن صاعقه، آن رعد و برق و آن طوفان دیگر به وجود نمی‌آمد این هنر است که این کارها را می‌کند آثار هنری این گونه است. یکی از چیزهای بسیار مهم در کارهای هنری که کمتر به آن توجه می‌شود، طراحی لباس است.»^{۲۲}

از ابعاد دیگر طراحی لباس با معیارهای

اسلامی این است که دشمن از طرق مختلف از قبیل لباس، فرهنگ پوشش، آزادی و بی بندوباری در پوشش، جنس پوشش (نازک و بدن نما) و... می‌خواهد بر مسلمانان مسلط شود، لذا این راه دشمن را باید بست، چرا که دشمن، اهداف فرهنگی بسیاری دارد که می‌خواهد آن‌ها را به همگان تحمیل نماید. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «دشمنان اهداف فرهنگی هم دارند به فرهنگ اسلامی کینه می‌ورزند و با آن عناد دارند. فرهنگ اسلامی، آراء روشنفکران اروپا را به چالش کشیده و لیبرال دموکراسی را که پرچم برافراشته غرب است، مورد تردید قرار داده است. فرهنگ اسلامی، روح استقلال طلبی و رشادت را در جامعه‌ی بزرگ و یک میلیارد و چند میلیونی مسلمانان ترویج می‌کند. در سال گذشته وقتی روستاها و شهرهای افغانستان بر اثر موشک‌های آمریکایی ویران می‌شد و ملت مظلوم افغانستان زیر بمباران آمریکایی‌ها دست و پا می‌زد، یک استراتژیست آمریکایی گفت: اگر به جای این موشک‌ها، برای جوانان افغان، لباس زیر زنانه و وسایل شهوت رانی و پوشش‌های سبک غربی و

۱. لباس به گونه ای باشد که یاد خدا را در دل زنده کند.

این مساله رامی توان با نگاه و مبانی هستی شناسی توحیدی تبیین کرد. از آن جا که انسان عین ربط و تعلق به معبود هستی بوده و هستی برای او خلق شده است تا بتواند از این طریق به مقام عبودیت و بندگی محض دست پیدا کند. این هدف در صورتی محقق می شود که اعمال و رفتار آدمی، رنگ و بوی الهی بگیرد.

یکی از مقدماتی که سبب نزدیک شدن و تقرب به پروردگار می گردد، از طریق لباس و پوششی است که در آیات و روایات به عنوان نعمت از آن یاد شده است. قدرشناسی از نعمت هایی که خداوند به انسان عطا کرده، در سایه ی شکر میسر است. شکر یعنی استفاده ی درست و صحیح نعمت در راهی که پروردگار به آن امر کرده است.

در این زمینه یکی از راههای استفاده ی درست و صحیح لباس این است که پوشش و لباس او در انسان، حس و تواضع و فروتنی ایجاد کند نه حس خود برترینی

آمریکایی بفرستید بدون صرف این هزینه های می توانید افغانستان را تصرف کنید. به جای بمب و موشک و راکت، سی دی های پورنوگرافی، منظره ها و ادبیات مهیج شهوت رامیان آنان ترویج کنید، آن وقت کار برای شما آسان می شود.

این یک سیاست اساسی است. بیست میلیون دلار برای مبارزه با ایران، هزینه تعیین کردند. آن ها میلیاردها دلار خرج می کنند و برایشان هم می ارزد.^{۳۳} لذا طراحی لباس با سبک و سیاق اسلامی و دینی می توان ضربه ی مهلک خود را بر دشمن وارد ساخت.

ویژگی های طراح لباس اسلامی با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری

با اینکه بیش ترین تاکید آیات و روایات بر پوشش معنوی (لباس تقوا) قرار داده شده است؛ اما پوشش ظاهری نعمتی است که پروردگار عالم آن را به انسان ها اختصاص داده است. انسان نسبت به لباس و طراحی آن، ویژگی و معیارهایی قرار داده است که به مهم ترین آن ها اشاره می گردد:

و تکبر.

در اسلام، لباس باید به گونه ای باشد که موجب فروتنی، خشوع و خضوع انسان در برابر خداوند متعال شود و تجمل پرستی و چشم و هم چشمی در استفاده از لباس ناپسند است. مثلاً در دستورات دین اذکار و نمازهایی برای آن ذکر شده تا تهییجی لباس در باب پوشیدن لباس نو، آداب ویژه ای از روز مره گی و غفلت و بی خبری خارج شده و به عمل عبادی، هدفمند و سرشار از یاد خدا تبدیل می گردد.^{۳۴}

شاید فلسفه قراردادن آدابی برای پوشش بر این است که با رعایت آن ها، انسان از غفلت رها شده و زمینه برای رشد و هدایت او و رسیدن به سعادت مهیا می گردد. لباس باید یک وسیله برای انسان ها باشد. تا یک هدف؛ چرا که اگر لباس به عنوان یک هدف، در نظر گرفته شود، تمام ابعاد زندگی انسان از قبیل فکر، شخصیت و عمل در بینش، نگرش، رفتار او را تحت تاثیر قرار می دهد.^{۳۵} از این جهت بهترین لباس، لباسی است که یاد خدا را در دل زنده کند.

۲. پوشانندگی لباس

در کلام مقام معظم رهبری، پوشش

و لباس نمونه ای از فرهنگ جامعه است. ایشان معتقدند که هر ملتی باید اختیار فرهنگ خودش را داشته باشد.^{۳۶}

لباس پوششی است که تامین کننده بخشی از نیازهای فرهنگی بشر می باشد که این اندیشه در متن دینی هم مطرح شده است هر چند طراحان لباس کمتر به این بعد توجه داشته اند.

در آیه ی ۴۷ سوره ی فرقان^{۳۷}، ۱۰ سوره ی نباء^{۳۸}، خداوند شب را لباس قرار می دهد. قبلاً اشاره شد که ساتر بودن به معنای پوشانندگی است. هم چنین خداوند در آیه ۳۱ نور^{۳۹}، ۵۹ احزاب^{۴۰} نیز پوشش زنان را به طور خاص مطرح می کند. لباس از یک طرف انسان را از سرما و گرما محافظت می کند و از طرف دیگر عیوب او را می پوشاند و زینتی برای آدمی محسوب می شود.^{۴۱}

عفت در پوشش

یکی از مسائلی که در پوشش و پوشانندگی لباس مطرح است، عفت می باشد. عفت در پوشش یعنی رعایت کردن اصول و قواعد اخلاقی در نحوه ی پوشش^{۴۲}، عفت یک فضیلت اخلاقی

زیبا بودن لباس و استفاده از تزئینات در تعالیم اسلام نیز مطرح است. خداوند یکی از فواید دریاها و استخراج زینت آلتی چون مروارید می داند که در لباس ها مورد استفاده قرار می گیرد: «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»^{۳۵}

از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده است که: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَيُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النِّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ»^{۳۶}، خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که نعمت خود را بر بنده ی خود ببیند»

در حدیثی دیگر از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «إِظْهَارُ النِّعْمَةِ أَحَبُّ إِلَيَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ صَيَانَتِهَا فَإِيَّاكَ أَنْ تَتَزَيَّنَ إِلَّا فِي أَحْسَنِ زِيٍّ قَوْمِكَ قَالَ فَمَا رَأَيْتُ عُبَيْدًا إِلَّا فِي أَحْسَنِ زِيٍّ قَوْمِهِ حَتَّى مَاتَ»^{۳۷} اظهار و آشکار کردن نعمت در نزد خدا محبوب تر است از نگه داری آن نعمت، پس بر حذر باش که لباسی بپوشی مگر اینکه در بهترین پوشاک قوم خود باشی.

در روایاتی دیگر از پیامبر آمده است: «حَسِّنُوا لِبَاسَكُمْ وَأَصْلِحُوا رِحَالَكُمْ حَتَّى

است که منشاء ذاتی و درونی دارد هر نوع انسان فارغ از جنس (زن یا مرد) به واسطه فطرتش گرایش به عفت و خویشتن داری دارد.

علاوه بر اینکه عفت همیشگی است و متعلق به زمان و مکان خاصی نیست. یعنی انسان در مقابل محرم یا نامحرم، در خانه یا بیرون از خانه؛ باید مواظب نوع پوشش خود بوده و نگهبان حریم عفاف خود باشد.^{۳۳}

۳. عنصر زیبایی

لباس، کارکرد زیبایی شناختی نیز دارد کارکرد پارچه و نقش، رنگ و ترکیب بندی مناسب پارچه جهت البسه، کارکرد طرح و رنگ لباس (به کارگیری مناسب تدابیر خطی، بهره گیری از اصول زیبایی سازی اندام با رنگ ها و خصلت های آنان) و کارکرد تزئینات به عنوان بخش افزودنی در لباس (مانند افزودنی ها به پارچه چون حاشیه در بخش های خاص لباس، زیباسازی با انواع دکمه ها، نوارها و انواع دوخت های سنتی در لباس) همگی در جهت زیباسازی پوشش نقش بسزایی را ایفا می کنند.^{۳۴}

تكونوا كائنكم شامةً في الناس»^{۳۸}

پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در یک بیان مختصر، ارتباط ۳ گانه ای میان شکل، رنگ و بوی لباس را مطرح می سازد. عبارت «حسنوا» اشاره به زیبایی و ظاهر لباس دارد «اصلحوا» اشاره به رنگ لباس دارد به گونه ای که ضمن ارتباط با شکل لباس با پوشنده ی لباس با محیط نیز تناسب داشته باشد و «شامه» هم اشاره به عطر و بو دارد که در واقع نتیجه ی «حسنوا» و «اصلحوا» است.

انسان طالب زیبایی است و فطرتاً به زیبایی گرایش دارد. خصوصاً در این میان جنس زن دوست دارد مطلوب واقع شود تا اینکه طالب، از این رو عدم تبرج و خودنمایی کردن در تعالیم دین نسبت به زنان مطرح شده است.

مقام معظم رهبری در باب زیبایی می فرمایند: «جوان از زیبایی و زیباسازی خوشش می آید، دلش می خواهد خودش هم زیبا باشد. این عیبی ندارد. یک امر طبیعی و قهری است. در اسلام منع نشده است. این زیبایی با نوگرایی تفاوت دارد. نوگرایی امر عام تری است. اگر این

مقوله زیباسازی در رسیدن به سر و وضع و لباس و امثال این ها و... مشغله ی اصلی زندگی شود، انحراف و انحطاط است. مثل این که در دوره ی طاغوت خانم ها، اعیان و اشراف پشت میز آرایش می نشستند. ۶ ساعت پشت میز آرایش می نشستند. یک انسان این مدت برای آرایش وقت صرف کند که می خواهد مثلاً عروسی برود. اگر کار به این شکل در بیاید، انحراف و انحطاط است اما فی نفسه رسیدن به سر و وضع بدون اینکه خودنمایی و تبرج باشد، عیبی ندارد. تبرج یعنی خودنمایی زنان در مقابل مردان برای جذب و فتنه انگیزی»^{۳۹}

رنگ لباس

یکی از عواملی که در زیبایی لباس اثر گذار است، رنگ آن می باشد. از آن جا که رنگ های روشن خاصیت تحریک کنندگی زیادی داشته و سبب تبرج و خودنمایی در جامعه می گردد انسان مجاز به استفاده از این رنگ ها نیست مگر به اقتضای محیط و شرایط آن. اگرچه در روایات اسلامی به استفاده از رنگ های سبز، زرد و سفید برای لباس توصیه شده است، اما آنچه منطقی و معقول به نظر

۴. حفظ شئون فردی و

اجتماعی

لباسی بیان گر شخصیت انسان است. مردم در برخورد اولیه، پوشش هر فرد را معیار قرار داده و مطابق با آن رفتار می کنند، هرطور که انسان لباس بپوشد به همان اندازه مورد توجه قرار می گیرد.^{۴۱} لذا لباس با پوشش و معیار اسلامی و یا غیر اسلامی میزان احترام مردم به شخصیت آن هاست. هر چند این مساله نسبی است و تنها جهت ادای احترام، این عامل را نباید در نظر داشت و عوامل دیگر را باید در این زمینه دخیل دانست.

۵- لباس ها بر اساس حدود و قوانین الهی و بر اساس عرف زمان و اجتماع طراحی شوند.

حماد بن عثمان نقل می کند: «من در محضر امام صادق (علیه السلام) بودم و مردی را مشاهده کردم که خطاب به آن حضرت عرضه داشت: «خدایوند نگرهدارت باشد شما خودتان فرمودید که امام علی (علیه السلام) لباس های خشن و کم قیمت می پوشید، با این وجود چرا لباس گران قیمت بر تن شما می بینم؟!»

می رسد اینکه رنگ لباس باید به گونه ای باشد که اثرات تحریک کننده نداشته باشد. با توجه به اثرات روانی رنگ ها، تنها استفاده از رنگ های سرد برای البسه، مناسب است (با توجه به محیط و عرف اجتماعی).

پوشش های رنگی ممنوع در اسلام

۱. پوشش های رنگی که شعار و علامت دشمنان اسلام است.
۲. پوشش های رنگی که موجب انگشت نما شدن نزد دیگران می گردد.
۳. پوشش های رنگی که اثرات روحی نامطلوبی بر انسان یا اعمال عبادی او می گذارد.
۴. پوشش های رنگی که خلاف عرف و شئونات اجتماعی است.
۵. پوشش های رنگی زن در عده ی وفات شوهر.
۶. پوشش های رنگی و جذاب زن و مرد برای نامحرمان.
۷. پوشش های رنگین مخصوص زنان از سوی مردان و بالعکس.^{۴۰}

امام پاسخ داد: آن زمانی که علی (علیه السلام) این لباس ها را می پوشید هیچ فردی با تعجب به او نگاه نمی کرد اما امروزه پوشیدن همان لباس موجب تک نما شدن می شود.

بهترین لباس برای یک دوره زمانی، لباسی است که متناسب با عرف و وضعیت اقتصادی آنان باشد.^{۴۲}

۶. الگوی طراحی لباس، کپی برداری از فرهنگ دشمنان نباشد. (لباس مروج فرهنگ غربی نباشد)

در کلام مقام معظم رهبری لباس و پوشش از مصادیق فرهنگ جامعه است. ایشان بر مساله ی پوشش تاکید دارند که قبله و الگوی پوشش و مدگرایی به سمت فرهنگ غربی نباشد.

«مدگرایی و نوگرایی اگر افراطی نباشد، اگر روی چشم و هم چشمی و رقابت های کودکانه نباشد، عیبی ندارد. لباس و رفتار و آرایش هم تغییر کند، مانعی ندارد. اما مواظب باشند قبله نمای این مدگرایی به سمت اروپا نباشد. این بد است. اگر مدیست های اروپا و آمریکا در مجلاتی که

مُد ها را مطرح می کنند، فلان لباس را برای مردان یا زنان خودشان ترسیم کردند، آیا ما باید این جا آن را تقلید کنیم؟! این بد است، خودتان طراحی کنید و خودتان بسازید.»^{۴۳}

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که خداوند به یکی از پیامبران خود وحی می فرستاد که به افراد با ایمان بگو تا لباس های دشمنانم را نپوشیده و به شیوه ی آنان غذا نخورند و در زندگی خود از راه و روش آنان پیروی نکنند زیرا نتیجه ی این دنباله روی آن است که گویا این مومنان نیز همچون دشمنانم، به دشمنی با من برخاسته اند.^{۴۴}

نتیجه

لباس، نعمتی مانند سایر نعمت ها است که حق آن را باید ادا کرد. اگر نگاه به لباس، نگاه ابزاری باشد، در این صورت، کامل کردن این نعمت و حرکت به سوی ترقی، پیشرفت، رشد و دستیابی به سعادت میسر خواهد بود؛ اما اگر هدف محوری و نگاه مادی به لباس مطرح باشد، آنگاه به جای هدایت، ضلالت و غفلت نصیب آدمی شده و نمی تواند به آن جایگاهی که انسان

علمیه ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۶۴.

۷. هر پوششی لباس است اما هر لباسی پوشش نیست، آن لباسی پوشش است که خصوصیات لباس اسلامی که در قسمت بعدی می‌گوییم را دارا باشد در غیر این صورت آن لباس پوشش نیست لذا رابطه پوشش و لباس، رابطه عموم و خصوص من وجه است.

۸. وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجَكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (سوره ی اعراف/ ۱۹)

۹. فَذَلَّا هُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْتُ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (سوره ی اعراف/ ۲۲).

۱۰. ای فرزندان آدم در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و [برای شما] زینتی است و [الی] بهترین جامه [لباس] تقواست این از نشانه‌های [قدرت] خداست باشد که متذکر شوند (سوره ی اعراف/ ۲۶).

۱۱. جعفر حق شناس، حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات، فصلنامه شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، سال نهم، ش ۳۶، ۱۳۸۶، ص ۵۳.

برای آن خلق شده دست پیدا کند و از راه سعادت دور خواهد شد.

لباس با دارا بودن معیارهای اسلامی علاوه بر اینکه حس راحتی را برای بدن تامین می‌کند، جنبه‌ی آرامش بخشی را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

پی نوشت ها

۱. فخرالدین بن محمد، طریحی، مجمع الجرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش، ج ۴، ص ۱۰۳.

۲. حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عرفان دلوودی، بیروت - دمشق - دارالقلم - دارلشامیه، ۱۴۱۲ ق، ص ۷۳۴.

۳. مریه، مونسی سرخه، لباس و هویت: ابعاد هویت فرهنگی در لباس ایرانی، تهران، دوره جدید سال ۹، شماره ۱، ۱۳۹۶، ش ۱۷، ص ۱۰۸.

۴. مهدی ارجمند فر، پوشش‌های مادی در قرآن، نشریه بنیاد شماره ۴۵، ۱۳۸۶، ص ۱۸.

۵. هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ آنها جامه عفاف شما و شما نیز لباس عفت آنها هستید.

۶. محمدحسین طباطبایی، تفسیرالمیزان، مترجم موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه

nasajimovafagh.com/inter view

۲۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با

جوانان به مناسبت هفته ی جوان، ۱۳۷۷/۲/۷.

۲۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با

جوانان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۷/۱۲/۶.

۲۴. در اینجا یکی از روایات را ذکر می کنیم

ولی در کتب معتبر روایی با موضوع لباس نو،

روایات متعددی را به خود اختصاص داده اند «عَنْ

مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَ عَنِ

الرَّجُلِ يَلْبَسُ الثَّوْبَ الْجَدِيدَ قَالَ يَقُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ

ثَوْبَ يُؤْمِنُ وَتُقَى وَبَرَكَهٍ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ

عِبَادَتِكَ وَ عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَأَدَةً شُكْرٍ نِعْمَتِكَ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ

أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ؛ محمدبن مسلم می-گوید

از امام باقر(ع) در مورد فردی که لباس نو می

پوشد پرسیدم، فرمود: می گویند: پروردگار آن را

لباسی مبارک و همراه با پرهیزکاری و برکت قرار

داده. خداوند روزیم فرماتا در آن بهترین عبادت

را انجام دهم و به او امرت عمل نمایم و نعمت

هایت را شکر گزارم. ستایش از آن خداست آن که

مرا پوشاند تا آبرویم را حفظ کنم و در بین مردم به

وسیله ی آن زیبا و آراسته گردم.» ر.ک. محمدبن

يعقوب بن اسحاق، کلینی، الکافی، محقق علی

اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب

۱۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، مشرق زمین،

گاهواره تمدن، کتاب اول، ترجمه احمد آرام،

تهران، با همکاری موسسه نشر فرانکلین، ۱۳۳۷،

ص ۱۳۲ - ۱۳۱.

۱۳. حسین بن محمدتقی، نوری، مستدرک

الوسائل و مستنبط المسائل، قم، موسسه آل البيت

علیهم السلام، ۱۴۰۸ مق، ج ۳، ص ۳۲۵ - ۳۲۴.

۱۴. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ

الْمُؤْمِنِينَ يَذُنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى

أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا.

۱۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مدی

رو مسئولان «وزارت ارشاد»، «اعضای شوراهای

فرهنگ عمومی کشور»، ۱۳۷۴/۴/۱۹.

۱۶. محمد باقربن محمدتقی، مجلسی،

بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق،

ج ۱، ص ۲۷۰.

۱۷. سوره ی الرحمن/۷۶.

۱۸. حسین بن احمد راغب اصفهانی،

المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۴۴.

۱۹. فضل بن حسن، طبرسی، مجمع البیان

لعلوم القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران،

ناصر خسرو، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۱۸.

۲۰. همان، ص ۳۲۰.

۲۱. گفتگو با امین مفتاحی؛ ۳۷۶۷/

الاسلامیه، ۱۴۰۷ هـ. ق، ج ۶، ص ۴۵۸

۲۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار زائران و مجاوران بارگاه ملکوتی امام رضا (ع)، ۱۳۷۴/۱/۳.

۲۶. مبینا هاشمی، پوشش و لباس، مجله رشد؛ آموزش معارف اسلامی، دوره نوزدهم، ش ۱۳۸۶، ۲، ص ۴۶.

۲۷. وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا.

۲۸. وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا.

۲۹. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْتِبَاءِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْوَالِدِ الَّذِينَ لَمْ يَضْرِبُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۳۰. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا.

۳۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۷۳۲.

۳۲. نهله غروی نائینی، وحید عامری، پوششی

در معنا و مفهوم حجاب فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، سال نهم، ش ۳۶، ص ۱۲۹.

۳۳. همان، ص ۱۲۹ - ۱۳۰.

۳۴. مریم مونس‌سی سرخه، لباس و هویت، ابعاد فرهنگی در لباس ایرانی، ص ۱۱۲.

۳۵. سوره ی نحل/۱۴.

۳۶. محمد بن یعقوب بن اسحاق، کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۳۸.

۳۷. همان، ص ۴۴۰.

۳۸. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲، ص ۴۴۴.

۳۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۷/۱۲/۶.

۴۰. محمد اصغری نژاد، پوشش های رنگی از منظر حدیث در مجله پژوهش و حوزه، ۱۳۸۱، شماره ۱۲، ص ۲.

۴۱. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، تهران، آگاه، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۶۴.

۴۲. محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۴۳. بیانات مقام معظم رهبری در جمع کارکنان سازمان صدا و سیما؛ ۱۳۸۳/۲/۲۸.

۴۴. محمد بن حسن، حر عاملی، وسائل

الشیعه، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۸۵. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ قُلْ لِقَوْمِكَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَلَا تَشَابِكُوا بِمَا شَاكَلْ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي.

فهرست منابع

قرن کریم

- ۱- ارجمند فر مهدی، پوشش های مادی در قرآن، نشریه بنیات، شماره ۴۵، ۱۳۸۶
- ۲- اصغری نژاد محمد، پوشش های رنگی از منظر حدیث در مجله پژوهش و حوزه، ۱۳۸۱، شماره ۱۲
- ۳- بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت های مختلف
- ۴- پاینده ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲
- ۵- طبرسی، فضل بن حسن مجمع البیان لعلوم القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲
- ۶- ویل دورانت، تاریخ تمدن، مشرق زمین،

گاهواره تمدن، کتاب اول، ترجمه احمد آرام، تهران، با همکاری موسسه نشر فرانکلین

۷- راغب اصفهانی حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عرفان دوودی، بیروت - دمشق - دارالقلم - دارلشامیه، ۱۴۱۲ق

۸- راوندی مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، تهران، آگاه، ۱۳۸۳

۹- طباطبایی محمدحسین، تفسیرالمیزان، مترجم موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۸۸

۱۰- حر عاملی محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق

۱۱- حق شناس جعفر، حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات، فصلنامه شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، سال نهم، ش ۳۶، ۱۳۸۶

۱۲- طریحی فخرالدین بن محمد، مجمع الجرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش، ج ۴

۱۳- غروی نائینی، نهله وحید عامری، پویشی در معنا و مفهوم حجاب، فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، سال نهم، ش ۳۶

۱۴- کلینی محمدبن یعقوب بن اسحاق،

،الكافی، محقق علی اکبر غفاری و محمد
آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷
۱۵- مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه،
تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.

۱۶- مجلسی محمد باقر بن محمد تقی،
بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق
۱۷- مونسسی سرخه، مریم، لباس و هویت:
ابعاد هویت فرهنگی در لباس ایرانی، تهران، دوره
جدید سال ۹، شماره ۱، ۱۳۹۶، ش ۱۷

۱۸- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک
الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت
علیهم السلام، ۱۴۰۸ م ق

۱۹- هاشمی مبینا، پوشش و لباس، مجله
رشد: آموزش معارف اسلامی، دوره نوزدهم، ش
۱۳۸۶، ۲

مبانی فطری پوشش و حجاب با توجه به

آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام

زهره وظیفه - سطح ۳ حوزه

چکیده

ستر و پوشش از مواردی است که خداوند کریم از ازل در فطرت آدمی نهاده، چرا که برای انسان لازم است و به دلیل فطری بودن تمایل به پوشش، آدمی از برهنگی منزجر است. هدف از نگارش این مقاله یادآوری این مطلب است که پوشیدگی و تمایل به پوشش در نهاد انسان قرار داده شده است و آنچه امروزه با عنوان فرهنگ برهنگی به انسان آموخته می شود؛ دور از اصل آدمی و با اغراض شیطنی همراه است.

در این مقاله پس از تعریف فطرت و آشنایی با جایگاه فطرت، به بررسی مبانی فطری پوشش پرداخته ایم که عبارتست از: عدم تمایل بشر به برهنگی، حیا و فضایل اخلاق، تأمین حس امنیت و مهار نیاز

خودآرایی.

کلید واژگان: فطرت، پوشش، برهنگی

مقدمه

فطرت به معنای حالت خاصی از آغاز آفرینش انسان است و در اموری به کار می رود که در خلقت اولیه انسان موجود است. هدف از این پژوهش بررسی مبانی و شالوده های فطری پوشش و حجاب است. انسان از ابتدای خلقت تاکنون با پوشش مأنوس بوده و برهنگی را نمی پسندیده است.

بخش اول این مقاله به مفهوم شناسی واژه های فطرت و حجاب پرداخته شده است و بخش دوم تفاوت میان برهنگی و زیبایی را بررسی نموده و بخش سوم مبانی

فطری پوشش را تبیین نموده است که عبارتست از: عدم تمایل بشر به برهنگی، حیا و فضایل اخلاق، تأمین حس امنیت و مهار نیاز خودآرایی.

۱- مفهوم شناسی

فطرت صفت طبیعی هر موجودی در آغاز خلقت و به معنای آفرینش، صفت و سرشت می باشد که جمع آن واژه فطّر است. فطرت به معنای حالت خاصی از آغاز آفرینش انسان است و در اموری به کار می رود که در خلقت اولیه انسان موجود است و آدمی با ورود به دنیا، آن ها را همراه خود دارد و در دنیا آن ها را به دست نیآورده است.^۱

تعاریف اصطلاحی مختلفی برای «فطرت» بیان شده است. کلمه فطرت، در لغت عربی به معنای، نوع آفرینش است و به حسب لغت به چیزی فطری می گویند که نوع آفرینش یک موجود اقتضای آن را داشته باشد و به حسب اصطلاح، فطرت در مورد انسان عبارت است از: بینشها و گرایشهایی که در انسان نهاده شده و انسان خود به خود آنها را داد نه این که آنها را کسب کرده باشد.^۲

واژه مبانی جمع مبنا، نیز در لغت به معنای شالوده و اساس است.^۳ کلمه «حجاب» هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب بیشتر، استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت، هر پوششی حجاب نیست، آن پوشش «حجاب» نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.^۴ مادر این مقاله به بررسی پوشش اسلامی زنان می پردازیم و مبانی فطری آن را بررسی می کنیم.

۲- تمایز بین برهنگی و

جلوه و زیبایی

آنچه از ابتدا در فطرت آدمی نهادینه شده پرهیز او از برهنگی است. حتی در صنعت مد به این قضیه دقت می شود تا سود بیشتری بدست آورند. در روایتی امام علی علیه السلام نیز فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجْمِيلَ وَ يَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ؛ خداوند زیبایی و آراستن را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن، کراهت دارد.»^۵ کافی است بدانیم

آفریدگاری که به زیبایی علاقه مند است این زیبایی را در آفریده های خود به نمایش می گذارد و البته با توجه به فطرت پاکی که در همه انسانها هست همه آنها علاقه به زیبایی و جلوه دارند.

اما در غرب، برهنگی نوعی تشخیص و زیبایی محسوب می شود؛ برخلاف سلیقه قدیم مسیحیت که پوشش و حجاب، زیبایی محسوب می شد در تمدن غرب امروز، انسان هیچ فرق بنیادی و وجودی با حیوان ندارد او هم چند سالی در طبیعت زندگی می کند و می میرد و دیگر هیچ. در چنین فرهنگی، هیچ فردای پس از مرگی در انتظار انسان نیست و ناچار است قبل از آن که مرگش فرا رسد بیشترین امتیاز را برای خود کسب کند و تا می تواند از هر آنچه در این طبیعت لذت بخش و لذت آور است بهره گیری نماید. ارزش و اعتبار همه چیز در این تمدن با این ملاک سنجیده می شود که چقدر می تواند به انسانی که اساساً حیوانی مادی است، لذت بخشید و یکی از چیزهایی که می تواند به او لذت ببخشد، تن انسان است. این تحول همزمان با رنسانس در فرهنگ غربی روی

داد و به اومانیسیم و انسان گرایی منجر شد در همین رابطه مجسمه سازی هم به تن انسان پرداخت و مجسمه هایی برهنه بیرون آمد که بیش از همه چیز می خواست به بیننده القاء کنند که انسان همه تن است و هنرمند باید به تن او توجه داشته باشد. نمونه های این قبیل تندیس ها فراوان است، اما شاید مجسمه «لاوود» ساخته میکل آنژ از همه مشهورتر باشد مجسمه، تندیس مرد جوانی است در نهایت زیبایی و برومندی، که لخت مادرزاد است و نه تنها عضلات سر و سینه و دست و پای او، بلکه جزئیات اسافل اعضای او نیز به دقت حجاری شده است. این مجسمه نشانه بارز تغییر در فرهنگ اروپاست.

در چنین فرهنگی که در آن، انسان پوک و پوچ است و از معنویت خالی است و رمز و رازی در وجود او نهفته نیست و هر چه هست همان تن و جسم است و دست و چشم، لباس چه شکلی می تواند داشته باشد؟! پیداست که لباس وسیله ای برای پوشش تن نیست، بلکه برای آرایش آن است. در چنین حال و هوایی که شخصیت زن به نمایش جسم اوست، لباس او باید تنگ باشد تا همچون لعاب نازکی روی

جسم او کشیده شود و خصوصیات جسمانی او را محو نسازد، و باید کوتاه باشد تا هر چه بیشتر تن او را نپوشاند! لباس نه خانه تن که «پوست دوم» اوست، و لباس به تن می کند تا با کمک آن بعضی از اندام خود را «قالب» و بعضی دیگر را «قاب» بگیرد! آنچه مدل لباس را تعیین می کند، روانشناسی جنسی است و در حقیقت مبتکران مدهای تازه، همواره در کار تنظیم نسبت میان برهنگی و پوشیدگی هستند، تا بتوانند حداکثر جلوه و جاذبه را در این جنس و حداکثر اشتیاق را در آن جنس دیگر ایجاد نمایند. این تنها لباس زنان نیست که تابع رابطه چشم و جسم است که لباس مردان نیز هست.^۶

جلوه و زیبایی مخلوق نشان قدرت پروردگار است، در اصل زیبایی و دوست داشتن زیبایی همه از امور قابل قبول است، اما باید توجه داشت که برهنگی جدا از زیبایی است و این دو نقطه مقابل هم اند این که خداوند دستور به پوشش های خاص در شرایط خاص داده است به این معناست که آدمی بداند که زیبایی نعمت بزرگ خداوند است و انسان نباید نعمتش را در معرض نابودی قرار دهد امام علی علیه

السلام فرمودند: «صَيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَ أَدْوَمُ لِحَمَالِهَا؛ پوشیدگی زن به حالش بهتر است و زیباییش را پایدارتر می کند»^۷ به عنوان شاهد مثال این قضیه می توان به نعمت سلامتی اشاره کرد؛ آیا کسی که سلامتی دارد می تواند خود را در معرض هرگونه خطری قرار دهد و بگوید من سلامت‌م. بدیهی است که او باید از سلامتی خود مراقبت کند تا به زوال و نابودی نکشد. همانطور که سلامتی و بیماری نقطه مقابل هم اند، برهنگی و زیبایی نیز همینطورند.

۳- مبانی فطری پوشش و

لباس

پوشیدگی انسان پایه ها و مبانی استواری دارد که برخواسته از فطرت و نوع آفرینش اوست. در فطرت انسان اموری ودیعه گذاشته شده است مانند زیبایی دوستی، کمال گرایی، میل به حیا و فضایل اخلاقی، تمایل به امنیت و آرامش و... که پوشش انسان تأمین کننده و پاسخگوی این امور می باشد.

انسان از ابتدا حجاب را به عنوان حصاری برای تعیین حد و مرز خود با سایرین برگزیده است تا از آفات طبیعی

و غیر طبیعی محفوظ بماند در قرآن هم به این نیاز طبیعی اشاره شده است: «وَجَعَلَ لَكُم سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ» و برای شما پیراهنهایی آفریده، که شما را از گرما (و سرما) حفظ می‌کند»^۹

در تمام ادیان و آیین‌ها نوعی حریم و ضوابط در پوشش افراد در نظر گرفته شده است و افراد امر به رعایت آن شده‌اند. دین مبین اسلام به عنوان کاملترین و جامع‌ترین دین به رعایت حد و حدود حجاب تاکید فراوانی دارد. از آنجاییکه خداوند حکیم کار لغو و بیهوده انجام نمی‌دهد، تمام احکام و قوانین بنابر مصالح و حکمت تشریح شده است و بدون شک حکم حجاب بر مبنا و اساس استواری بنا شده است که در این قسمت به بررسی مبانی فطری پوشش و لباس اشاره می‌کنیم:

الف - عدم تمایل بشر به

برهنگی

اگر به لباس ملی کشورهای جهان بنگریم، بخوبی حجاب و پوشش زن را در آن می‌بینیم. دقت در لباس ملی کشورها ما را از ورق زدن کتب تاریخی برای یافتن ملل و اقوامی که زنان آنها دارای حجاب

بوده‌اند، بی‌نیاز می‌سازد و بخوبی اثبات می‌کند که حجاب در میان اکثر ملت‌های جهان معمول بوده و اختصاص به مذهب یا ملت خاصی نداشته است. برخی از زیست‌شناسان به وجود نوعی احساس حیاء و خجلت در جنس ماده اشاره می‌کنند و منشاء پوشش و حجاب را نیز همان احساس حیاء می‌دانند.^{۱۰}

خدای متعال در آیه ۲۲ سوره «اعراف» می‌فرماید: «فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمْ»^{۱۱} «همین که آدم و همسرش از آن درخت ممنوع چشیدند، بلافاصله لباس هایشان از نشان فرو ریخت و اندامشان آشکار گشت» «از جمله بالا به خوبی استفاده می‌شود که: به مجرد چشیدن از میوه درخت ممنوع، این عاقبت شوم به سراغ آنها آمد، و در حقیقت از لباس بهیستی که لباس کرامت و احترام خدا بود برهنه شدند.

و نیز از این آیه استفاده می‌شود که آنها قبل از ارتکاب این خلاف، برهنه نبودند بلکه پوششی داشتند که در قرآن، نامی از چگونگی این پوشش برده نشده است، اما هر چه بوده است، نشانه‌ای برای شخصیت آدم و حوا و احترام آنها محسوب می‌شده

برای پوشیدن اندام خود استفاده کردند»

ب- حجاب پشتوانه حیا و فضایل اخلاق

میل به فضایل اخلاقی از جمله عفت و حیا، در فطرت انسان نهادینه شده است و طبع هر انسان پاک و بی آرایش خواستار این امور است و وجه مشترک همه انسان های آزاده با هر نژاد و قومی می باشد. پوشیدگی برای انسان زیر بنای فضایل اخلاقی بویژه حیا و عفت است. مردان به دلیل فعالیت های گسترده اجتماعی که با هدف کسب معاش داشتند ناگزیر بخش هایی از اندامشان بدون پوشش می ماند. ولی بخش هایی را همیشه می پوشاندند. حتی بردگانی که حق لباس نداشتند به اندازه سترعورت پوشش داشتند و در هیچ ملت نژاد قوم، آیین و تاریخی مردان کاملاً برهنه وجود نداشتند. نقاشی های انسان های اولیه غارنشین و نقوش حکاکی شده بر کتیبه ها بهترین گواه و سند این مدعاست.

گرچه زنان نیز همانند مردان حجاب در فطرتشان سرشته شده ولی به جهت یک خصلت ارزنده دیگر که در وجود زن

که با نافرمانی از اندامشان فرو ریخته است. در حالی که تورات ساختگی می گوید: آدم و حوا در آن موقع، کاملاً برهنه بودند ولی زشتی آن را درک نمی کردند، و هنگامی که از درخت ممنوع که درخت علم و دانش بود خوردند چشم خردشان باز شد و خود را برهنه دیدند و از زشتی این حالت آگاه شدند! آدمی را که تورات معرفی می کند در واقع، آدم نبود! بلکه به قدری از علم و دانش دور بود که حتی برهنگی خود را تشخیص نمی داد، ولی آدمی را که قرآن معرفی می کند نه تنها از وضع خود با خبر بود بلکه از اسرار آفرینش (علم اسماء) نیز آگاهی داشت و معلم فرشتگان محسوب می شد و اگر شیطان توانست در او نفوذ کند نه به خاطر نادانی او بود بلکه از پاکی و صفای او سوء استفاده کرد و اگر بعضی از نویسندگان اسلامی نوشته اند که آدم در آغاز برهنه بود در واقع اشتباهی است آشکار که بر اثر نوشته های تورات پیدا شده است!^{۱۱} به هر حال قرآن سپس می گوید: «وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ»^{۱۲} هنگامی که آدم و حوا چنین دیدند بلافاصله از برگ های درختان بهشتی

به ودیعت نهاده شده یعنی حیا و عفت، پوشش و حجاب زن برجسته تر است. زن ها علاوه بر موها و تمامی بدن حتی صورتشان را می پوشانند. حیا در نهاد زنان نقش بیشتری دارد. برخی حیا را به منزله خضاب یا زینت دیگری دانسته اند که به جمال زن افزون و در جلوه اش مدخلیت تام دارد و برخی نیز آن را یک برودت فطری در مزاج زن قلمداد کرده اند. غریزه حیا در انسان، غریزه ای طبیعی است.

در جسم انسان اعضا و اجزایی وجود دارد که خداوند متعال او را به پوشش و اختفای آنها برانگیخته است و همین تمایل موجب شده است که انسان از همان ابتدا، برای جسم خود نوعی لباس انتخاب کند. حیا در وجود انسانها عامل بازدارنده ای است که می تواند با تکیه بر ایمان و عقل، انسان را از بسیاری از لغزش ها باز دارد و در عوض او را به خیر و نیکی راهنما باشد. از طرفی علاوه بر این ویژگی به عنوان «عامل هدایت کننده» نیز وارد عمل می شود زیرا می تواند تعدیل کننده غرایز انسان و ضامن اجرای بسیاری از قوانین و دستورات

اخلاقی باشد.^{۱۴}

پوشش و حجاب امری فطری است که با بسیاری از صفات ذاتی انسان نیز ارتباط دارد یا به عبارتی پشتوانه ای برای سایر صفات ذاتی اوست. مثلاً از آن جهت که انسان دارای صفت حیا و عفاف است خواهان و طالب پوشش است. حیا او باعث میشود که پوشش را برای خود برگزیند و بدین وسیله از بی قیدی و لابیالی گری نجات یابد.

ج- تأمین حس امنیت

یکی از نیازهای فطری همه انسان ها احساس امنیت است و در سایه ی برآورده شدن این نیاز سایر نیازها تأمین می شوند. پوشش حائل و تعیین کننده حد و مرز بین انسان ها است و بوسیله آن می توان جلوی بسیاری از سودجویی ها و انحرافات را گرفت و باعث می شود که زنان در امنیت و کرامت در جامعه فعالیت نمایند و نگاه جنسیتی را از بانوان دور می کند. یکی از مهم ترین اثرات روانی و فطری حجاب حس امنیت است. چنانچه انسان ها در محیط کار، تحصیل و زندگی احساس امنیت نکنند دچار اضطراب می

نخست اینکه در آن زمان معمول بوده است که کنیزان بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون می آمدند و از آنجا که از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آنها می شدند در اینجا به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزان شناخته شوند و بهانه ای برای مزاحمت به دست هرزگان ندهند بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که اوباش حق داشتند مزاحم کنیزان شوند، بلکه منظور این است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند. دیگر اینکه هدف این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل انگار و بی اعتنا نباشند مثل بعضی از زنان بی بند و بار که در عین داشتن حجاب آنچنان بی پروا و لابالی هستند که غالباً قسمتهائی از بدنهای آنان نمایان است و همین معنی توجه افراد هرزه را به آنها جلب می کند.^{۱۶}

د - مهار نیاز خودآرایی

یکی از نیازهای فطری انسان ها بویژه بانوان، میل به آراستگی و جلوه گری است که این نیاز اگر مدیریت نشود به تبرج و

شوند و نمی توانند نقش های خود را به درستی ایفا نمایند بدون تردید بانوان به لحاظ موقعیتی و شخصیتی آسیب پذیر تر هستند و نیاز بالاتری به امنیت دارند بدین جهت پوشش و حجاب برای بانوان از اهمیت و جایگاه برجسته ای دارد قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلزَّوْجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ»^{۱۵} ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زن های مؤمنان بگو که چادر خویش را بر خود فرو پوشند. این کمترین چیزی است تا به عفت شناخته شوند و از تعرض و آزار افراد هوسران محفوظ بمانند»

در نتیجه وقتی مردان بدانند آنها اهل حجاب هستند، دیگر ایشان را اذیت و آزار نمی کنند و اهل فسق و فجور متعرض آنها نمی شوند و در قسمت اول می گوید: ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنین بگو روسری های بلند خود را بر خویش فرو افکنند تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند. در اینکه منظور از شناخته شدن چیست؟ دو نظر در میان مفسران وجود دارد که منافاتی با هم ندارند

فساد می انجامد. از این رو خدووند پوشش و حجاب را به عنوان عاملی مهار کننده برای تعدیل این نیرو قرار داده است. عدم کنترل این میل آسیب های زیای ایجاد می کند، بدین جهت حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند: «صَيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَأَدْوَمُ لِحَمَالِهَا»^{۱۷} حفظ، حراست، پنهان کردن و دور داشتن زن از نامحرم بهترین نعمت و خوشبختی برای اوست و زیبایی، دلربایی و جذابیت او را گسترش می دهد. حجاب موجب گسترش و دوام زیبایی زن می شود و مهم تر از آن موجب حراست و نگهداری او از آفات درونی و بیرونی است و جامعه را از لابلای گری حفظ می نماید در اینصورت افراد با تمرکز و آرامش کامل در جامعه حضور می یابند.

بطور کلی نیاز به زیبایی و جلوه گری در درون انسان ها وجود دارد و در طول تاریخ این نیاز را با پوشش های متنوع تأمین می نموده اند و حتی در صنعت مد نیز از این خواسته درونی استفاده نموده اند. پوشش علاوه بر تأمین این نیاز به کنترل و مدیریت این نیاز نیز می پردازد.

نتیجه

- همه انسان ها به ویژه بانوان به پوشش نیازمند هستند و دستورات و فرامین الهی و تشریحی بر اساس این نیاز فطری و ذاتی انسان ها بوده است.

- انسان به صورت فطری از برهنگی بیزار است و زیبایی و جمال را در پوشش می داند.

- پوشش و حجاب زیر بنای سایر فضایل اخلاقی بویژه حیا هستند.

- از آنجاییکه صفت حیا در بانوان به صورت پررنگ تری قرار دارد حجاب و پوشش نیز جایگاه ویژه ای برای آنان دارد.

- حجاب حداقل و تعیین کننده حریم خصوصی هر فرد با دیگران است و او را از آسیب های طبیعی و غیر طبیعی محفوظ می دارد.

پی نوشت

۱- ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، مؤسسه تاریخ العربی، بیروت، چاپ نخست، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۵۸

۲- مصباح یزدی، معارف قرآن، ج ۱، ص ۲۶
قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۹۱.

فهرست منابع

- ۳- علی اکبر، دهخدا، لغتنامه دهخدا، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۹۵
- ۴- مرتضی، مطهری، مساله حجاب، ج ۱، ص ۷۹، نشر صدرا، تهران
- ۵- تفسیر العیاشی، ج ۲، ص: ۱۴
- ۶- غلامعلی، حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، انتشارات سروش، چاپ ششم، ۱۳۷۴، ص ۲۷ و ۲۸ و ۲۹.
- ۷- حسین بن محمدتقی، نوری، مستدرک اوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، بيروت لبنان، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۵
- ۸- سوره نحل، آیه ۸۱
- ۹- الهی قمشه ای، ترجمه قرآن کریم، نشر سپهر، ص ۲۷۶، قم، ۱۳۹۰
- ۱۰- علی، محمدی آشنانی، حجاب در ادیان الهی، ص ۲۵-۲۶، نشر اشراق، قم، ۱۳۷۳
- ۱۱- الهی قمشه ای، ص ۱۵۲
- ۱۲- ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۱۱۸، دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ۱۳۵۳، ۶
- ۱۳- همان، ص ۱۵۲
- ۱۴- علی، محمدی آشنانی، ۱۳۷۳، حجاب در ادیان الهی، قم، انتشارات اشراق، چاپ اول، ص ۳۹
- ۱۵- آیه ۵۹ احزاب، الهی قمشه ای، ص ۴۲۶
- ۱۶- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۷
- ۱۷- حسین بن محمدتقی، نوری، مستدرک اوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، بيروت لبنان، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۵
۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، لسان العرب، داراحیاء التراث العربی، مؤسسه تاریخ العربی، بیروت، چاپ نخست، ۱۴۱۶.
۳. الهی قمشه ای، ترجمه قرآن کریم، نشر سپهر، قم، ۱۳۹۰.
۴. حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، انتشارات سروش، چاپ ششم، ۱۳۷۴.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۹۵.
۶. محمدی آشنانی، علی، حجاب در ادیان الهی، نشر اشراق، قم، ۱۳۷۳.
۷. مصباح یزدی، معارف قرآن، ج ۱، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۱.
۸. مطهری، مرتضی، مساله حجاب، ج ۱، نشر صدرا، تهران.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ۱۳۵۳.
۱۰. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک اوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، بيروت لبنان، ج ۱۴، ۱۴۰۸.

تبیین عقل‌گرایی در طراحی لباس‌های جدید (با تاکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری)

گیتا محسنی - استاد حوزه - سطح ۳

چکیده

عقل‌گرایی یکی از شوون مهم انسانی و دستورات مسلم‌ادیان الهی است که در تمام عرصه‌های زندگی از جمله لباس و پوشش موثر است. مقام معظم رهبری، هم‌به‌طور کلی و هم‌به‌طور خاص و در مسائل جزئی به مساله عقلانیت تاکید فراوان دارند.

مفهوم عقل، امری پردامنه است اما در بیانات مقام معظم رهبری به معنی کارشناسی، بررسی ابعاد مختلف یک اقدام جهت رسیدن به رستگاری است که مساله طراحی لباس را هم در بر می‌گیرد و یکی از منویات ایشان توجه به عقلانیت در بحث پوشش و طراحی آن است.

آنچه که از بیانات عمومی و یا اختصاصی ایشان در بحث پوشش بر می‌آید انسان

عاقل باید در طراحی لباس، ارزش‌های فرهنگی و دینی، بهره‌گیری از استعدادهای داخلی، تناسب و زیبایی را مد نظر داشته باشد که این امر هم بدون علم و آگاهی، خلاقیت و آشنایی با مقوله هنر امکان‌پذیر نیست.

واژگان کلیدی: عقل، لباس، طراحی لباس، مقام معظم رهبری

مقدمه

«عقل» یکی از ابرازهای شناخت انسان و وجه تمایز او با سایر حیوانات است. براساس همین قوه شناخت، ارتباط بین انسان‌ها و تفاهم میسر می‌گردد و انسان را قادر می‌سازد تا مطلبی را برای همدیگر اثبات و یا رد نماید.

«تعقل» و بهره‌گیری از قوه عقل، از

آن با واژه های دیگر از منظر مقام معظم رهبری پیردازد و در کنار آن به شاخصه های عقلانی طراحی لباس و ویژگیهای طراحان نیز اشاره نماید.

معنای عقل

عقل در لغت از «عقال» گرفته شده است؛ و «عقال» به معنای طنابی است که به وسیله آن زانوی شتر سرکش رامی بندند و به این دلیل به عقل، عقل می گویند که نیروی باطنی، شهوات و هواها و خواسته های شیطانی درون انسان را به بند می کشد.^۲ همچنین واژه عقل و مشتقات آن در لغت به معنای فهمیدن و دریافت کردن نیز می آید.^۳

برای «عقل» در اصطلاح نیز معانی مختلفی ذکر کرده اند که چند نمونه آن عبارتست از:

۱. فهم و ادراک^۴
۲. قوه تشخیص و ادراک و وادار کننده انسان به نیکی و صلاح و بازدارنده وی از شر و فساد.^۵
۳. جوهر مجردی که صادر اول است.^۶
۴. مرتبه ای از نفس انسانی که در تکامل خود از تائر عالم بالا و تاثیر در بدن بهره

جمله توصیه های اکید دین مبین اسلام نیز می باشد بطوری که در آیات قرآن کریم و سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) این واژه و مشتقاتش به وفور دیده می شود و مسلماً این همه تکرار، دلیل بر اهمیت آن می باشد بنابراین تعقل، یکی از ابزار مهم برای ارتقاء کیفیت زندگی انسان در ابعاد مختلف می باشد که یکی از این ابعاد مساله پوشش و نوع طراحی لباس است. مقام معظم رهبری نیز به عنوان رهبر جهان اسلام در سخنان خود در موقعیت های مختلف بر تعقل و تفکر تاکید بسیار دارند و اساس هر کاری را تعقل، تفکر و تدبیر می دانند.

ایشان در بیانات خود در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ضمن تبیین سبک زندگی اسلامی، مسائل و مشکلات اجتماعی را به صورت سوال عنوان کرده در این زمینه می فرمایند: «طراحی لباس ها و معماری شهرها چقدر منطقی و عقلانی است؟»^۷ بنابراین یکی از منویات معظم له، بررسی نوع طراحی لباس در جامعه اسلامی ایرانی و تبیین ابعاد عقلانی آن است که این مقاله سعی دارد در این مجال اندک به تبیین اجمالی واژه عقل، و تفاوت

می برد و دارای دو جنبه عقل نظری و عملی است. عقل نظری یعنی مرتبه ای از نفس که برای تکامل خود از عالم بالا مدد می گیرد و عقل عملی با استعانت از قوه نظری در بدن و اعمال بدنی اثر می گذارد به عبارت دیگر احکام کلی عقل نظری را بر امور جزئی تطبیق می کند.^۷

عقل و تعقل، در بیانات مقام معظم رهبری نیز با اصطلاحات مختلفی بکار رفته است که عبارتند از:

- عقل به معنای قوه ای ادراک در انسان در کنار قوای حسی و قلبی^۸
- به معنای فکر و خرد و قوه ای تدبیرگر و استدلال کننده^۹

- به معنای آنچه که در کتب اخلاقی آمده؛ مستند به حدیث مشهور «العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان»^{۱۰}
- به مثابه ای موازین عقلی و ضابطه های صحیح فهم و تفکر^{۱۱}

- گاهی عقل به معنای یکی از منابع دین و استنباط احکام و دستورات الهی و در کنار کتاب، سنت و اجماع بکار برده شده است^{۱۲} علاوه بر این، گونه های مختلفی از عقل مانند عقل فلسفی، عقل معیشت،

عقل معنوی و... در سخنان رهبر انقلاب کاربرد داشته است.^{۱۳}

بنابراین «عقلانیت»، در بیانات مقام معظم رهبری، در شرایط و موضوعات مختلف استفاده شده است اما آنچه از مجموع بررسی آنها می توان بدست آورد ظاهراً عبارتست از: کار سنجیده توجه به ظرفیت و کار کارشناسی، مطالعه ای درست و ملاحظه ای جوانب و آثار و تبعات یک اقدام بر مبنای رستگاری و هدایت انسان.^{۱۴} (و حتی گاهی ملاحظه ای تبعات یک اظهار نظر)

سطوح عقل

یکی از نکات قابل توجه در بیانات مقام معظم رهبری این است که برای تعقل، درجاتی بیان کرده اند و سطوح آن را از درجه بالا به پایین به این ترتیب مطرح کرده اند:

۱. مقام قرب

۲. سبک زندگی اسلامی

۳. تنظیم ارتباطات مادی دنیایی

ایشان می گویند: «عقل در یک سطح، آن عاملی است که انسان را به مقام قرب می رساند، به مقام توحید می رساند؛ در

کثرت، دلیل بر اهمیت آن می باشد. مقام معظم رهبری می فرماید: «پیروی از آنچه که عقل سلیم به آن حکم کند و قضاوت عقل پشت سر آن باشد، این هم یک امر قرآنی است، این هم امر دینی است.»^{۱۷}

ایشان یکی از ویژگیها انبیاء را در کمال عقل آنها مطرح کردند و بیان داشتند: «خرد خیلی مهم است. عقل گرائی در تصمیم گیریها بسیار حائز اهمیت است. تصمیم خردمندانه و شجاعانه. خردمندی را به معنای ترس و گریز و عقبنشینی نباید معنا کرد. خردمندی همراه با شجاعت. انبیاء خردمندترین انسانها بودند. در روایتی از پیغمبر اکرم است که: «ما بعث الله نبیاً و لا رسولا حتی یستكمل العقل؛ هیچ پیغمبری را خدا مبعوث نکرد، مگر آن وقتی که عقل او کامل شده باشد.»^{۱۸}

در جایی دیگر عقل را حجت دینی برشمردند و می فرمایند: «در اسلام یکی از منابع حجت برای یافتن اصول و فروع دینی، عقل است؛ اصول اعتقادات را با عقل بایستی به دست آورد؛ در احکام فرعی هم عقل یکی از حجت هاست. اگر شما به

یک سطح پایین تر، عقل آن چیزی است که انسان را به سبک زندگی اسلامی می رساند؛ در یک سطح دیگر هم عقل آن چیزی است که ارتباطات مادی زندگی دنیا را تنظیم می کند؛ همه‌ی اینها کار عقل است. عقل و قوه‌ی عاقله آن قوه‌ای است که بتواند همه‌ی اینها را دارا باشد.»^{۱۵}

با توجه به این نوع نگاه، عقل انسانی قابل پرورش و تربیت است. یعنی انسان به طور فطری درجه‌ای از عقلانیت را دارد ولی می تواند آن را رشد داده و به درجات عالی برساند به همین دلیل در توصیه‌ی دانشگاه‌ها می فرمایند: «یکی از الزامات دانشگاه در ایفای نقش، ایجاد و پرورش قوه‌ی عاقله‌ی کشور تربیت اخلاقی و فرهنگی و هویتی است.»^{۱۶}

اهمیت تعقل

بر همه واضح و مبرهن است که تعقل، یکی از ابزار شناخت انسان و تعامل انسانها با یکدیگر است و تاکید آموزه‌های دینی و بزرگان بر بهره گیری از آن، اهمیتش را بازگو می کند. مقام معظم رهبری نیز در موقعیت‌های مختلف تاکید بر عقلانیت و بهره گیری از قوه عاقله داشته اند و همین

کتب احادیث ما نگاه کنید - مثل کتاب «کافی» که هزار سال پیش نوشته شده - اولین فصل آن، «کتاب العقل والجهل» است که اصلاً فصلی است در باب عقل و ارزش و اهمیت آن و اهمیت دانایی و خردمندی.^{۱۹}

ایشان عقل را مایه حرکت انسان به سوی رستگاری می دانند و چنین بیان داشتند: «روح همه‌ی معارف و تعلیم اسلامی این است که افسار رفتار و حرکت بشر در زندگی به دست شهوت و غضب داده نشود؛ انسان و جامعه‌ی انسانی را خودخواهی‌ها هدایت نکنند؛ بلکه عقل و تقوا هدایت کند»^{۲۰}

اقسام عقل علم

عقل از مهمترین ارزش‌های انسانی است که موهبت الهی به انسان محسوب می شود. یکی از پرکاربردترین واژه در جامعه «تعقل» است و بسیاری از ما مدعی هستیم که در کارهای خود عقلانی عمل می کنیم اما باید توجه داشت در برخی موارد، آنچه را که مردم به عنوان تعقل مطرح می کنند یا تعقل نیست و یا تعقل سالم نیست. شخصی از امام ششم (علیه السلام) پرسید

عقل چیست؟ فرمود: چیزیست که بوسیله آن خدا پرستش شود و بهشت به دست آید. آن شخص گوید: گفتم پس آنچه معاویه داشت چه بود؟ فرمود: آن نیرنگست، آن شیطنت است، آن نمایش عقل را دارد ولی عقل نیست. امیرالمومنین علیه السلام در تعریف اقسام عقل می فرماید: «العقلُ عقلان: عقل الطبع و عقل التجربة، و کلاهما یودّی المنفعة».

رَأَيْتُ الْعَقْلَ عَقْلَيْنِ
فَمَطْبُوعٌ وَمَسْمُوعٌ،
وَلَا يَنْفَعُ مَسْمُوعٌ
إِذَا لَمْ يَكْ مَطْبُوعٌ،
كَمَا لَا يَنْفَعُ الشَّمْسُ
وَضَوْءُ الْعَيْنِ مَمْنُوعٌ.

عقل دو گونه است: طبیعی و تجربی، و هر دو، سودآورند.

عقل را دو گونه یافتیم: مطبوع و مسموع
عقل مسموع، بدون عقل طبیعی
سودمند نیست

چنان که با فقدان نور چشم، خورشید سودی ندارد.

جالب توجه است که از ایشان همین تقسیم، درباره علم، روایت شده است:

الْعِلْمُ عِلْمَانِ: مَطْبُوعٌ وَ مَسْمُوعٌ وَ لَا يَنْفَعُ

المَسْمُوعُ إِذَا لَمْ يَكُنِ الْمَطْبُوعُ.^{۳۱}

دانش، دو گونه است: مطبوع و مسموع. دانش مسموع، بدون دانش طبیعی، سودمند نیست

به حسب ظاهر، مقصود از عقل و علم طبع، معارفی هستند که خداوند متعال در طبیعت همه انسان ها نهاده تا بتوانند راه کمال را بیابند و به مقصد نهایی آفرینش خود، راه یابند قرآن کریم، از این معارف فطری به «الهام فجور و تقوا» تعبیر کرده است؛ «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿۳۱﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»^{۳۲} سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد. سپس پدیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن، الهام کرد.

عقل طبع - که امروزه از آن به وجدان اخلاقی یاد می شود - هم مبدأ ادراک است و هم مبدأ تحریک، و اگر بر اساس تعالیم پیامبران الهی احیا شود و رشد کند، انسان می تواند از سایر معارفی که از طریق تحصیل و تجربه می اندوزد، بهره بگیرد و به حیات طیبه انسانی دست یابد

اگر عقل طبع (وجدان اخلاقی) در اثر پیروی از تمایلات نفسانی و وسوسه شیطانی

بمیرد، هیچ معرفتی برای رساندن انسان به زندگی مطلوبش سودمند نیست. همان گونه که در کلام زیبای امیرالمؤمنین آمد، عقل طبع، نقش چشم را دارد و عقل تجربه، نقش خورشید را. برای دیدن حقایق، هم چشم سالم لازم است و هم نور خورشید، و چنان که نور خورشید نمی تواند جلوی لغزش نابینا را بگیرد، عقل تجربه هم نمی تواند مانع لغزش و انحطاط کسانی گردد که عقل طبع آنان مرده است.^{۳۳} یکی از نشانه های تعقل، خرد ورزی و رعایت تقوا و دوری از زشتی هاست با توجه به این مطالب عقل را نباید همپایه نیرنگ، شیطنت، و هواپرستی دانست.

امام علی (علیه السلام) فرموده اند: «تَهْمُوا عُقُولَكُمْ فَإِنَّهُ مِنَ التَّقِيَّةِ بِهَا يَكُونُ الْخَطَاءُ»^{۳۴} عقل خویش را زیر سؤال ببرید؛ زیرا از اعتماد به آن، خطاها سرچشمه می گیرد.

مقام معظم رهبری می فرماید: «... در این سیاست ورزی امیرالمؤمنین (علیه السلام) یکی از خصوصیاتش این است: از مکر و فریب دور است. در یک جمله ای از حضرت نقل شده که: «لَوْ لَا التَّقِيَّةَ لَكُنْتَ اَدَهِي الْعَرَبِ»^{۳۵} اگر تقوا دست و پای مرا

- شاخصه های عقل گرایی در طراحی لباس

همانطور که گفته شد یکی از بیانات مقام معظم رهبری در زمینه سبک زندگی، توجه به طراحی لباس و عقلانی بودن آن است که برای درک بهتر آن باید شاخصه های عقلانیت را در این زمینه مطرح کرد یعنی بیان داشت چگونه می توان فهمید که تعقل در طراحی لباس ها رعایت شده است؟

نکته قابل توجه این هست که شاید عین این شاخصه ها در بیانات مقام معظم رهبری موجود نباشد اما با توجه به ویژگیهای عمومی طراحی لباس در جوامع اسلامی می توان شاهد مثال هایی را از کلام مقام معظم رهبری استخراج نمود

۱. مروج عمل صالح در

جامعه

هر انسانی ذاتاً و فطرتاً تمایل به کارهای نیک و پسندیده دارد گرچه که ممکن است برخی از افراد در برابر هوای نفس مغلوب شوند و دست به کارهای نادرست بزنند ولی همان انسان هم نمی تواند تمایل خودش

نمی بست، از همه ی آحاد و مکاران عرب، مکر و حيله را بهتر بلد بودم. يك جاى ديگر در مقام مقايسه‌ى معاويه با خودش - چون معاويه به دهاء و مکر در حکومت معروف بود - به حسب آنچه که نقل شده، فرمود: «والله ما معاوية بأدهي مني»^{۲۶} معاويه از من زرنگتر نیست.» منتها علی چه کند؟ وقتی بنای بر رعایت تقوا و رعایت اخلاق دارد دست و زبانش بسته است.

روش امیرالمؤمنین (علیه السلام) این است، تقوا که نبوده دست و زبان انسان باز است، می تواند همه چیز بگوید، خلاف واقع می تواند بگوید، تهمت می تواند بزند، دروغ به مردم می تواند بگوید، نقض تعهدات می تواند بکند، دلبستگی به دشمنان صراط مستقیم می تواند پیدا کند وقتی تقوا نبوده، اینجوری است. امیرالمؤمنین می فرماید: من سیاست را با تقوا انتخاب کردم، با تقوا اختیار کردم این است که در روش امیرالمؤمنین (علیه السلام)، مکاری و حيله‌گری و کارهای کثیف و این چیزها وجود ندارد؛ پاکیزه است.»^{۲۷}

نباید طرح‌هایی را که برگرفته از فرهنگ منحط غرب است و با حیا و عفت عمومی منافات دارد ترویج کنید

مقام معظم رهبری در تبیین کلام امیرالمومنین (علیه السلام) که می‌فرمایند: **سَبِيلُ أَوْلِيٍّ أَوْلَىٰ مِنَهَا جِ انْتَوَى السَّرَاجِ فَبِالْإِيْمَانِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ وَبِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيْمَانِ** چنین توضیح می‌دهند: «فَبِالْإِيْمَانِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ» از راه ایمان، انسان به اعمال صالح می‌رسد ایمان است که انسان را می‌کشاند و به عمل صالح دلالت می‌کند بعد بلافاصله می‌فرماید: «وَبِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيْمَانِ»^{۳۳} عمل صالح هم انسان را به ایمان دلالت می‌کند یعنی یک تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد به نظر من این نکته ی خیلی مهمی است. ما باید ایمان خود را با عمل صالح تقویت کنیم؛ کما این که عمل صالح را باید از راه ایمان بشناسیم.^{۳۰} بنابراین هرگاه نوع لباس، انسان را به سمت عمل صالح هدایت کند ایمان انسان نیز تقویت خواهد شد. کما این که یک لباس مناسب از ایمان طراح آن نیز سرچشمه می‌گیرد

را به کارهای نیک انکار کند بنابراین یکی از شاخصه‌های عقلانی در طراحی لباس می‌تواند همین حس و تمایل باشد که با ترویج آن، اعمال صالحی چون حیا، عفت، ساده‌زیستی، کنترل نگاه و ... در جامعه گسترش یابد زیرا انسان موجودی اجتماعی است و تمام ابعاد زندگی او، هم در جامعه تأثیر می‌گذارد و هم تأثیر می‌پذیرد. هرگاه فردی لباسی طراحی کند که در مسیر ترویج اعمال صالح باشد خود آن عمل نیز جزء اعمال صالح به شمار می‌آید.

همانطور که گفته شد عقلانیت سه سطح دارد که در تمام سطوح این حس وجود دارد بویژه در سطح سوم که عقلانیت را مساوی بندگی خدا دانسته است. (العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان) این شاخصه را می‌توان در این استفتاء از مقام معظم رهبری یافت:

سؤال: شغل من طراحی و فروش لباس بانوان است، آیا این شغل که مربوط به سبک و مد میشود از نظر شرعی اشکال دارد؟^{۲۸}

جواب: فی نفسه اشکال ندارد، ولی

شاید این سوال پیش آید که چگونه طراحی یک لباس مناسب و عرضه آن در جامعه، انسان را به سوی عمل صالح هدایت می کند. در پاسخ باید گفت یکی از راه های ترویج عمل صالح امر به معروف و نهی از منکر است و این وظیفه دینی (امر به معروف و نهی از منکر) همیشه در قالب زبان نخواهد بود بلکه عرضه هر محصولی نوعی امر به معروف و نهی از منکر غیر مستقیم است که یا انسان را به سمت صلاح و یا فساد تشویق می نماید.

۲. بهره گیری از توانمندی خودی (تقلیدی نبودن)

خداوند متعال به همه بندگان، استعداد و توانایی های برای مدیریت زندگی عطا کرده است و براساس یافته های علمی و سخن بزرگان، هر چه از این توانایی ها بهره وری شود شکوفاتر می شود. از طرف دیگر هر انسان عاقلی هم تمایل دارد از سرمایه های وجودی خود استفاده کند و آنها را در مسیر رشد و ترقی قرار دهد. به همین دلیل است که انسان های بخیل و تنبل مورد مذمت عقلا قرار می گیرند. در طراحی لباس هم یکی از شاخصه

ها، بهره مندی از توانایی های جوانان و کارشناسان هر منطقه است که آثار فراوانی را در پی دارد و یکی از توصیه های اکید مقام معظم رهبری در تمام موضوعات، مساله استقلال، بهره گیری از توانایی ها و ظرفیت های داخلی و توری از تقلید کورکورانه فرهنگ غربی است. زیرا تقلید همه جانبه از فرهنگ های غربی که در مقابل عقلانیت قرار دارد علاوه بر این که ضربه های مهلکی به ارزشهای اسلامی و ملی می زند افراد جامعه و کشور را وابسته، منفعل و ناتوان می کند به طوری که قدرت دفاع از حقوق خود را هم از دست می دهند.

مقام معظم رهبری در موقعیت های مختلف به بهره گیری از استعدادهای توانمندی های خدادادی اشاره می کنند که به گوشه هایی از آن اشاره می شود:

۱. «در اسلام راکد گذاشتن استعدادهای خود حتی در آنجائی که فقط به شخص خود او مربوط می شود و به اجتماع ربط پیدا نمی کند ممنوع و حرام است.»^۳

۲. «اساس کار این است که نیروی انسانی ما خود را و توانائی های خود را قدر

نمونه‌های بارز فرهنگ عمومی جامعه است که در مسیر زندگی و حرکتهای آینده یک ملت در درازمدت تأثیر دارد»^{۳۵} ایشان همچنین می‌فرمایند: «هر ملتی باید اختیار تعیین فرهنگ، عادات و آداب مورد نظرش را داشته باشد»^{۳۶}

بنابراین یکی از شاخصه‌های طراحی لباس، توجه به ارزشهای اسلامی و ملی است چرا که اینها سرمایه‌هایی هستند که نباید بدست فراموشی سپرده شود.

یکی از آسیب‌هایی که در بحث پوشش وجود دارد توجه به الگوها و نمونه‌های غربی است به این بهانه که آنها کشورهای پیشرفته‌ای هستند و برای پیشرفت کشور باید از آنها الگو گرفت. و این اشکال را هم مقام معظم رهبری در بیانی پاسخ می‌دهند آنجا که می‌گویند: «عده‌ی فکر می‌کنند چون غربیها از لحاظ علمی بر ما برتری دارند، پس ما باید فرهنگ و عقاید و آداب معاشرت و آداب زندگی و روابط اجتماعی و سیاسیمان را از آنها یاد بگیریم؛ ... و پاییها کارهای غلط و خطا و رفتارهای زشت‌الی ماشاءالله دارند؛ چرا باید این کارها را از آنها یاد بگیریم؟»^{۳۷}

بداند و آنها را بشناسد؛ آنچه را که خداوند متعال از استعداد و نیرو در وجود او به ودیعت گذاشته، به عرصه‌ی عمل وارد کند و از عظمت و بزرگی کارها نه‌راسد»^{۳۲}

۳. «ملت ایران روح اعتماد به نفس ملی را به وسیله‌ی هشت سال دفاع قدرتمندانه توانست در خود تقویت کند، توانست استعدادهای خود شکوفا کند، توانست ظرفیتهای ناشناخته‌ی خود را بشناسد»^{۳۳}

۴. «از امکان و استعداد خود به بهترین وجه استفاده کنید این توفیق را از خدا بدانید؛ او را شکر بگویید و آن را برای خودتان حفظ کنید»^{۳۴}

۳. تناسب با ارزش‌های فرهنگی

پیرو شاخصه دوم و پرهیز از تقلید، شاخصه دیگری برای طراحی لباس پیش می‌آید و آن هم این است که مدل‌های طراحی شده باید با ارزشهای دینی و فرهنگ ملی کشور همخوانی داشته باشد.

مقام معظم رهبری در رابطه با پوشش و فرهنگ گفته‌اند: «شکل لباس، چه پوشیدن، چگونه پوشیدن و از کدام الگوی پوشش استفاده کردن، جزو مصادیق و

شاید برای برخی این سوال پیش آید که چرا بزرگان نظام از جمله مقام معظم رهبری بر پرهیز از فرهنگ غرب تاکید دارند؟ پاسخ این سوال راهم می توان در این کلام رهبری یافت که می فرمایند: «فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هر جا وارد شود، هویت زدائی می کند؛ هویت ملت‌ها را از بین می برد. فرهنگ غربی، ذهن‌ها را، فکرها را مادی می کند، مادی پرورش می دهد؛ هدف زندگی می شود پول و ثروت؛ آرمان‌های بلند، آرمان‌های معنوی و تعالی روحی از ذهن‌ها زوده می شود.»^{۳۸}

البته باید توجه داشت که مهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی فرق دارد، طبق نظر مقام معظم رهبری مهاجم فرهنگی غیر از تبادل فرهنگی است ایشان می فرمایند: «مهاجم فرهنگی غیر از تبادل فرهنگی است غیر از گرفتن برجستگی‌ها و زنده‌گزینی از فرهنگ‌های دیگر است؛ یک وقت هست که یک انسان با میل خود و برطبق نیاز و اشتها و ضرورت زندگی اش یک نوع غذا، یک نوع دارو یا ماده لازمی را انتخاب می کند و آن را داخل

جسم خودش می کند؛ این گزینش است، که چیز خیلی خوبی است؛ اما یک وقت هست که یک نفر را می خوابانند و ماده‌ای را که نه برای او لازم است و نه او به آن میل و اشتهایی دارد و نه برایش مفید است، به‌زور در حلقش می‌ریزند، یا به او تزریق می‌کنند؛ این، نامطمئن است؛ این، مهاجم فرهنگی است؛ همان کاری که با ملت ایران در طول سال‌های متمادی کردند.»^{۳۹}

همچنین ایشان می‌گویند: «در تبادل فرهنگی، هدف، بارور کردن فرهنگ ملی و کامل کردن آن است، اما در مهاجم فرهنگی، هدف، ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است.»^{۴۰} «تبادل فرهنگی در هنگام قوت و روزگار توانایی یک ملت انجام می‌گیرد، ولی مهاجم فرهنگی در دوران ضعف یک ملت است.»^{۴۱}

۴-۴. زیبایی و تناسب

تقلیدی نبودن و تناسب با ارزش‌های دینی و ملی هیچگاه به منزله نادیده گرفتن حس زیبایی دوستی نیست. هر انسان خردمندی، زیبایی را دوست دارد اما آنچه که مهم است عوض شدن جایگاه زیبایی، بایی بند و باری و عربانگری و زندگی است.

امر لازمه زندگی هر انسانی است سعی می کنند طرح های جدید و نو خلق کنند. مقام معظم رهبری هم در این زمینه می فرمایند: «تجدد و نوگرایی حقیقی و باز کردن میدان های تازه زندگی، مطلوب اسلام است؛ اصلا اسلام این را از انسان خواسته؛ این به برکت تأمل، تعمق، کار درست، کار فکری، تلاش عملی، مجاهدت، استقبال از کار و از خطر در همه میدان ها، و همت ها را بلند کردن به دست می آید»^{۳۳}

ایشان علاوه بر مطالب فوق، دو توصیه مهم در این زمینه دارند یکی پرهیز از افراط و دیگری هم اجتناب از تقلید کورکورانه. ایشان درباره افراطی گری می گویند: «مُدگرایی و نوگرایی اگر افراطی نباشد، اگر روی چشم و هم چشمی و رقابت های کودکانه نباشد، عیبی ندارد. لباس و رفتار و آرایش تغییر پیدا می کند، مانعی هم ندارد، اما مواظب باشید قبله نماي این مُدگرایی به سمت اروپا نباشد؛ این بد است. اگر مدیست های اروپا و آمریکا در مجالاتی که مُدها را مطرح می کنند فلان طور لباس را برای مردان یا زنان خودشان ترسیم کردند، آیا ما باید اینجا، آن را تقلید کنیم؟ این بد است. خودتان طراحی کنید و خودتان

انسان پوشیده هم می تواند زیبا باشد زیرا زیبایی به معنی تناسب اجزای یک چیزی با همدیگر است که این امر با پوشیدگی هم کاملاً سازگار است. چه بسا لباس یک خانم یا آقای که مناسب با ارزشهای اسلامی و پوشیده است از لباس های عربیان دیگران بسیار زیباتر به نظر برسد. واقعا برخی از لباس هایی که در سطح جامعه وجود دارد زیبایی ندارد و فقط به خاطر این که مد شده است و یا فلان شخص معروف از آن استفاده کرده است استفاده می شود.

مقام معظم رهبری می فرمایند: «جوان از زیبایی و زیباسازی خوشش می آید و دلش می خواهد که خودش هم زیبا باشد. این عیبی هم ندارد؛ یک امر طبیعی و قهری است؛ در اسلام هم منع نشده است، البته این شاید با مقوله نوگرایی مقداری تفاوت کند. نوگرایی امر عام تری است. آن چیزی که منع شده، فتنه و فساد است. اگر به صورت افراطی به شکل مُدپرستی درآید، این به فساد خواهد انجامید»^{۳۴}

نکته بسیار مهم دیگر توجه به مفهوم تجدد است. برخی با این اعتقاد که انسان به تنوع و امور جدید علاقمند است و این

بسازیید»^{۴۴}

در مورد تجدد هم هشدار می دهند: «مفهوم تجدد نیز در کشور ما بیمار و معیوب و معلول متولد شد. در قاموس متجددین کشور ما «تجدد» به معنای تقلید از غرب بود تقلید یعنی چه؟ یعنی شما بروید لباس کهنه کسی را بخرید و در روز عید به عنوان لباس نو تنتان کنید»^{۴۵}

بایسته های طراحان لباس

۱. علم و آگاهی

طراحی لباس، علاوه بر این که یک مهارت است یک کار فرهنگی تاثیر گذار در جامعه است. بنابراین طراح موفق علاوه بر تخصص در رشته طراحی، باید اطلاعات و آگاهی های لازم فرهنگی را هم کسب کند تا آنچه را خلق می کند اثرات مثبتی در جامعه داشته باشد.

طراح موفق کسی است که در دو مقوله علم و آگاهی داشته باشد:

۱. علم طراحی

۲. علم به ارزش های فرهنگی

جامعه

مقام معظم رهبری می فرمایند: «شما

ببینید چه زمانی در آغاز پیدایش اسلام گفته شد که: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه» یا «مؤمن و مؤمنه»؛ یعنی همان وقتی که نماز و زکات و این چیزها آمد، طلب العلم هم آمد: «اطلبوا العلم ولو بالصین» هم آمد من بارها تکرار می کنم، این به خاطر همین است که جامعه، بدون علم نخواهد توانست آرمانهای خودش را بالا بیاورد. مثل این است که انسان حرف حقی داشته باشد؛ اما اصلاً زبان گفتنش را نداشته باشد نداشتن علم این طوری است. علم موجب می شود که شما بتوانید آن آرمانها، آن اهداف و آن خط روشن و جاده ی روشنِ صراط مستقیمی را که در دست و اختیار شماست، مطرح کنید و کسان بیشتری را از بشریت، به آن هدایت کنید. علم نداشته باشید این امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین علم - که وسیله ی رشد ملی، بشری، انسانی و اوج گرفتن در محیط عام بشریت است - جزو چیزهای لازم است و باید به این اهتمام داشته باشید»^{۴۶}

«همه به کار کارشناسی احتیاج داریم. کار بدون کارشناسی، ابر و عقیم و خنثی خواهد بود. این حرف موجب نشود که ما به کار کارشناسی بی اعتنایی کنیم. کارشناسان

دقیق با گذشته، سیر تحول، کارکرد اهداف و عملکرد سازمان آشنا و تحلیل روشنی از آن داشته باشد.»

۲. خوش سلیقی

یکی دیگر از ویژگیهای طراح موفق آن است که ارزشهای انسانی و اسلامی را به نحوی زیبا در طراحی لباس لحاظ نماید. طراحی اسلامی، به منزله خلق لباس های ناموزون و زشت نیست. طراح موفق باید بتواند ضمن رعایت حدود الهی در طراحی لباس، اثری متناسب و خوش پوش را هم ارائه نماید زیرا زیبایی و لباس مناسب در اسلام اهمیت دارد^{۴۸} و نباید این ارزش دینی نادیده گرفته شود. مقام معظم رهبری توجه به زیبایی را از لوازم زندگی و مایه آسان شدن و شیرینی زندگی می داند.^{۴۹}

البته توجه به این نکته هم حائز اهمیت است که زیبایی در هر چیزی، متناسب با خودش است. مثلاً در طراحی لباس زیبایی به معنای عریانگری و عبور از حدود الهی نیست، بلکه زیبایی در این مساله هیچگاه با رعایت حدود الهی در تضاد نیست. اتفاقاً رعایت تقوا و حیا در پوشش مردان و زنان از جمله زیبایی های عمیق به شمار می رود

صادق و خوب در دستگاہها و مجموعه‌ی ظرفیت عظیم انسانی کشور هستند؛ حتماً از نظر کارشناسی این افراد صادق و مؤمن استفاده کنید کار بدون کارشناسی نباید انجام بگیرد.»^{۴۷}

«اهمیت کار فرهنگی نباید مورد غفلت قرار گیرد. در کار فرهنگی هیچ وقفه و تعللی جایز نیست؛ چون بیشترین تلاش دشمنان بر روی جامعه و ملت و کشور ما، تلاش فرهنگی است. این مبالغه نیست! بیشتر و پُر حجم تر و مؤثرتر از تلاش های سیاسی و امنیتی، تلاش فرهنگی است.

علت هم این است که آنها می دانند اگر در تلاشهای فرهنگی علیه انقلاب موفق و پیروز شوند، بقیه‌ی کارها برای آنها آسان خواهد شد؛ لذا روی این متمرکزند. ما مطلقاً نایستی توقف داشته باشیم، باید پیش برویم. هیچ سطحی نگری جایز نیست. ظاهرگرایی و عوامزدگی در کار فرهنگی جایز نیست. کار فرهنگی بایستی مدبرانه، عمیق، با حوصله و از سوی آدم‌های باصلاحیت و کارشناس‌های حقیقتاً وارد، در همه‌ی شعبه‌ها و شاخه‌های گوناگون فرهنگی مورد توجه قرار بگیرد.»

«به این معنی که کارشناس باید بطور

زیرا زیبایی امری نسبی است و به بینش انسان نسبت به زندگی بر می گردد. هرگاه فردی دارای بینش دینی و الهی باشد آنچه که در مسیر بندگی خدا باشد زیبا می بیند به همین دلیل است که یکی از شگردهای دشمنان دین، تغییر باورها و اعتقادات انسانهاست.

مقام معظم رهبری می فرمایند: «زیبایی هر جایی و هر چیزی به حَسَب خودش است؛ زیبایی انسان، زیبایی باغ، زیبایی قبرستان، زیبایی هر چیزی را باید به حَسَب خودش محاسبه کنیم»^{۵۰}

۴. خلاق

یکی از ویژگیهای طراح موفق نزد عقلا، قدرت خلاقیت و نوآوری اوست. با توجه به شاخصه هایی که برای طراحی لباس گفته شد در هم آمیختن ارزشهای فرهنگی، پرهیز از تقلید و غربزدگی، و رعایت زیبایی کار آسانی نیست و طراح باید بتواند با لحاظ این معیارها اثری را خلق نماید.

مقام معظم رهبری: «فعالیت و ابتکار و نوآوری و خلاقیت، اساس پیشرفت انسان و زندگی انسانی است. دست‌نشاندهای دستگاه‌های قدرت در گذشته در کشور ما و

امروز در بسیاری از کشورهای وابسته‌ی این منطقه سعی می کنند تقلید را جایگزین فعالیت و ابتکار کنند»^{۵۱}

۵. آگاه به پیام های غیر مستقیم طرح های مختلف

لباس و طراحی لباس آن، یکی از مقوله های هنر به شمار می رود. مقام معظم رهبری انتقال ارزشهای اسلامی را در قالب هنر پسندیده می دانند و می فرمایند:

۱. «هر جامعه و هر انسان و هر مجموعه‌ی بشری، می‌خواهد که هنر در خدمت ارزشهای مقبول خودش قرار بگیرد. این جرم نیست که اسلامی‌ها می‌خواهند هنر در خدمت ارزشهای اسلامی قرار بگیرد.»^{۵۲}

۲. همیشه توصیه‌ی من به هنرمندان و کسانی که با کار هنری سر و کار دارند، این است که اینها را به بازیهای خطی و سیاسی نکنانید»^{۵۳}

خاصیت هنر آن است که پیام های غیر مستقیم دارد و مخاطب بدون آن که متوجه شود آن را دریافت می کند مقام معظم رهبری در موقعیت های مختلف به تاثیرات غیر مستقیم هنر اشاره می کنند و

می فرمایند:

۳. «تأثیر هنر به خواست کسی که مخاطب هنر است، وابستگی ندارد. او بخواهد یا نخواهد، این اثر را خواهد گذاشت.»^{۵۴}

۴. «خاصیت عمومی هنر این است که بدون این که خود گوینده حتی در خیلی از موارد توجه داشته باشد و غالباً بدون این که مستمع توجه داشته باشد، اثر می گذارد»^{۵۵}

بنابراین لباس، می تواند کلاس درس غیر مستقیم برای مخاطب باشد. وقتی لباسی بدون رعایت حدود الهی به جامعه ای عرضه شود بطور غیر مستقیم افراد را به مقابله با ارزشهای الهی دعوت می کند و کم کم بر اندیشه، افکار و اعتقادات افراد تاثیر می گذارد به همین دلیل است که دشمنان اسلام، سعی می کنند با تغییر دادن نوع پوشش آن، از هویت اصلیش دور کنند.

نتیجه گیری

عقل به عنوان معیار صحت شؤونات و رفتارهای انسانی مدنظر است. طراحی عقلانی لباس به معنای حفظ ارزشهای فطری و عرفی و دینی انسان می باشد.

زیبایی گرایی و تجدد در پوشش به مثابه روی آوردن به سلايق غرب و پذیرش استعمار و تهاجم فرهنگ غرب نیست، بلکه طراحان لباس در داخل کشور با داشتن علم و آگاهی و خلاقیت می توانند لباس های جدید و زیبا و متناسب با فرهنگ و شئون دینی ایرانی تولید کنند که این مسئله بسیار مهم است.

پی نوشت ها

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳
۲. محمد معین، فرهنگ معین، (یک جلدی)، واژه عقل.
۳. سیدعلی اکبر قرشی، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲، ذیل واژه عقل.
۴. همان
۵. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱
۶. محسن ایمانی، تربیت عقلانی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۸، ص ۲۰
۷. محسن ایمانی، همان، ص ۲۱
۸. از جمله بیانات در ۱۳۶۹/۰۶/۲۹
۹. از جمله بیانات در ۱۳۷۷/۰۷/۲۹ و ۱۳۹۲/۰۵/۱۵
۱۰. ثقه الاسلام کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۱.
۱۱. از جمله بیانات در ۱۳۸۸/۰۴/۲۹
۱۲. از جمله بیانات در ۱۳۷۶/۰۷/۲۷
۱۳. از جمله بیانات در ۱۳۷۰/۰۶/۳۰

۳۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۳/۱۱/۱۳۶۵.
۳۲. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران، ۳۰/۱۱/۱۳۸۸.
۳۳. ۳۹۷/۰۶/۱۳۸۸.
۳۴. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۲۹/۰۶/۱۳۷۴.
۳۵. بیانات در دیدار اعضای شوراهای فرهنگ عمومی استان‌ها، ۱۹/۰۴/۱۳۷۴.
۳۶. دیدار اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۴/۷/۳.
۳۷. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان، ۱۷/۰۴/۱۳۸۳.
۳۸. بیانات رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۲۳/۰۷/۱۳۹۱.
۳۹. بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما، ۲۸/۰۲/۱۳۸۳.
۴۰. بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی، ۲۷/۰۵/۱۳۷۱.
۴۱. همان.
۴۲. بیانات در دیدار جمعی از جوانان، ۱۳۷۷/۰۲/۰۷.
۴۳. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۴/۰۳/۰۵.
۴۴. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۷.
۴۵. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۴/۰۳/۰۵.
۱۴. عقل در ادبیات اسلامی فقط آن دستگامی نیست که محاسبات مادی می‌کند برای ما؛ نه، الْعَقْلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اَكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ؛ عقل این است. الْعَقْلُ يَهْدِي وَ يُنْجِي؛ عقل این است. عقل باید بتواند انسانها را تعالی ببخشد.
۱۵. بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاهها، ۲۰/۰۳/۱۳۹۷.
۱۶. همان.
۱۷. ۱۹۷/۰۴/۱۳۹۲.
۱۸. ثقة الإسلام کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۲ ح ۱۱.
۱۹. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۰۵/۰۷/۱۳۸۳.
۲۰. ۲۶/۰۷/۱۳۸۳.
۲۱. خردگرایی در قرآن و حدیث، محمدی ری‌شهری، محمد، ج ۱ ص ۲۵.
۲۲. شمس ۷/۷.
۲۳. خردگرایی در قرآن و حدیث، محمدی ری‌شهری، محمد، ج ۱ ص ۲۶.
۲۴. غررالحکم، ج ۲ ص ۲۵۷.
۲۵. الکافی، ثقة الإسلام کلینی ج ۸ ص ۱۸.
۲۶. خطبه ۲۰۰ نهج البلاغه، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰.
۲۷. ۱۳۸۸/۰۶/۲۰.
۲۸. استفتائات جدید (فروردین ماه) برگرفته از سایت www.leader.ir.
۲۹. خطبه ۱۵۶ نهج البلاغه.
۳۰. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۳/۰۸/۲۰.

فهرست منابع

۴۶. بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۵/۰۶/۰۶.
۴۷. همان.
۴۸. «اسلام، به مسأله زیبایی اهمیت داده شده است. زیاد شنیده‌ایم که: «ان الله جمیل و یحب الجمال» خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد. در خصوص رسیدن به سر و وضع، روایات زیادی در کتب حدیثی ما هست.» بیانات در دیدار جمعی از جوانان، ۱۳۷۷/۲/۲۷.
۴۹. «بعضی خیال می‌کنند زیبایی یک چیز تشریفاتی است؛ نه، زیبایی یکی از لوازم زندگی انسان است؛ زندگی را آسان و شیرین می‌کند.» بیانات در دیدار جمعی از مهندسان، ۱۳۸۳/۱۲/۰۵.
۵۰. بیانات پس از زیارت مزار شهدای بهشت زهرای تهران، ۱۳۹۷/۱۱/۱۰.
۵۱. بیانات در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه، ۱۳۸۴/۰۲/۱۷.
۵۲. بیانات در دیدار اعضای شورای سیاست‌گذاری صدا و سیما، ۱۳۶۹/۱۲/۱۴.
۵۳. بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، ۱۳۸۰/۰۵/۰۷.
۵۴. بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۸۴/۰۶/۳۷.
۵۵. بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.
۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. کلینی ثقة الاسلام، اصول کافی، غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد دار الکتب الإسلامیه، تهران، چهارم.
۴. تربیت عقلانی، ایمانی محسن، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۸.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۳۳.
۶. از جمله بیانات در ۱۳۶۹/۰۶/۲۹.
۷. از جمله بیانات در ۱۳۷۷/۰۷/۲۹ و ۱۳۹۲/۰۵/۱۵.
۸. از جمله بیانات در ۱۳۸۸/۰۴/۲۹.
۹. از جمله بیانات در ۱۳۷۶/۰۷/۲۷.
۱۰. از جمله بیانات در ۱۳۷۰/۰۶/۳۰.
۱۱. بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۷/۰۳/۲۰.
۱۲. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۸۳/۰۷/۰۵.
۱۳. ۱۳۸۳/۰۷/۲۶.
۱۴. ۱۳۸۸/۰۶/۲۰.
۱۵. استفتائات جدید (فروردین ماه)، برگرفته از سایت www.leader.ir
۱۶. بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۳/۰۸/۲۰.
۱۷. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۱/۰۳.
۱۸. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰.

۱۹. ۲۹/۰۶/۱۳۸۸. ۳۴. بیانات پس از زیارت مزار شهیدای بهشت
 زهرای تهران، ۱۰/۱۷/۱۳۹۷
۲۰. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه
 ۲۹/۰۶/۱۳۷۴
۲۱. بیانات در دیدار اعضای شوراهای فرهنگ
 عمومی استان‌ها، ۱۹/۰۴/۱۳۷۴
۲۲. دیدار اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران
 حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۴/۷/۳
۲۳. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید
 دانشگاه‌های استان همدان، ۱۷/۰۴/۱۳۸۳
۲۴. بیانات رهبری در دیدار جوانان استان
 خراسان شمالی، ۲۳/۰۷/۱۳۹۱
۲۵. بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و
 سیما، ۲۸/۰۲/۱۳۸۳
۲۶. بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران
 فرهنگی، ۲۷/۰۵/۱۳۷۱
۲۷. بیانات در دیدار جمعی از جوانان ،
 ۰۷/۰۲/۱۳۷۷
۲۸. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان
 بسیجی، ۱۳۸۴/۰۲/۰۵
۲۹. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید
 دانشگاه‌های استان همدان، ۱۷/۰۴/۱۳۸۳
۳۰. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان
 بسیجی، ۰۵/۰۳/۱۳۸۴
۳۱. بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای
 هیأت دولت، ۰۶/۰۶/۱۳۸۵
۳۲. بیانات در دیدار جمعی از جوانان، ۲۷/۲/۷۷
۳۳. بیانات در دیدار جمعی از مهندسان،
 ۰۵/۱۲/۱۳۸۳
۳۴. بیانات پس از زیارت مزار شهیدای بهشت
 زهرای تهران، ۱۰/۱۷/۱۳۹۷
۳۵. بیانات در دیدار کارکنان مجتمع مس
 سرچشمه، ۱۸/۰۲/۱۳۸۴
۳۶. بیانات در دیدار اعضای شورای
 سیاست‌گذاری صدا و سیما، ۱۴/۱۲/۱۳۶۹
۳۷. بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ
 و هنر، ۰۷/۰۵/۱۳۸۰
۳۸. بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان
 جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر
 مقاومت، ۳۷/۰۶/۱۳۸۴
۳۹. بیانات در دیدار جمعی از ملاحان،
 ۰۵/۰۵/۱۳۸۴
۴۰. خردگرایی در قرآن و حدیث، محمدی
 ری‌شهری، محمد، ترجمه مهدی مهریزی موسسه
 علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر،
 قم- ایران، ۱۳۸۷، سوم.
۴۱. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن،
 تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲
۴۲. معین، محمد، فرهنگ معین.

نقد و بررسی لباس ملی

خانم آتشین صدف - سطح ۲ حوزه

چکیده

لباس ملی یکی از نمادهای فرهنگ غنی و هویت ملی کشورمان به شمار می آید. اما امروزه غرب با تکیه بر رسانه های فراگیر صنعت و فرهنگ، دنیا را به سوی همسان سازی پیش می برد. متأسفانه یکی از تجلی های آن در پوشش ملی مردم کشورمان کاملاً مشهود است. زیرا ایرانیان در میان سایر کشورها پیش از همه پوشش ملی خود را پاس داشته و پایبند به آن بوده اند و از طرفی به لحاظ جنبه ملی و دینی این نوع پوشش دارای اهمیت بوده و حتی به عنوان اصلی ترین جلوه دینداری نیز از قدیم مطرح است.

چنانچه مقام معظم رهبری در سخنان خود پیرامون طراحی لباس ملی فرمودند: «تقلید فرهنگی خطر خیلی بزرگی است باید

مراقب باشیم که قبله نمای این مدگرایی به سمت غرب نباشد.»^۱

«بنابراین فرهنگ غرب، نابود کننده ی فرهنگ هاست، هر جا فرهنگ های غربی وارد شدند، فرهنگ های بومی را نابود کردند. بنیان های اساسی اجتماعی را از بین بردند و تا آنجا که می توانستند تاریخ ملت ها را تغییر دادند.»^۲ در این مقاله سعی شده به تقسیم بخش هایی از جمله: لباس ملی، اهمیت لباس ملی در ادوار مختلف تاریخ ایران، آسیب ها و فواید لباس ملی، راه های ترویج لباس و ویژگیهای لباس ملی پرداخته شود.

کلیدواژه ها: لباس ملی، هویت، ملی

گرایی، طراحی لباس.

مقدمه

لباس ملی مهم ترین و مشخص ترین نشانه فرهنگی کشورمان است که اگر به عنوان یک فرهنگ غنی و ارزشمند مورد توجه قرار نگیرد؛ جای خود را به مدهای بی پایه و اساس غرب خواهد داد و زمینه ای برای ترویج فرهنگ مبتذل و ارائه الگوهای ضد اخلاقی غرب خواهد شد.

زیرا یکی از اهداف سازمان ها و رسانه های غرب که مأموریت جنگ روانی در راستای اهداف خود را برعهده دارند تمرکز ویژه ای است که بر موضوعات فرهنگی، فکری و معنوی جامعه و از بین بردن هویت ملی مذهبی ایران به خصوص «موضوعات اخلاقی و لباس ملی» زنان و مردان کشورمان دارند و اگر غافل شویم با ورود مدل های جدید البسه، به فرهنگ و هویت ملی اسلامی چنان ضربه ای وارد خواهد شد که باعث فراموشی پیشینه و اصالت ایرانی شود.

بنابراین آگاه سازی بهترین شیوه مقابله با تقلید کور کورانه مدگرایان از فرهنگ پوشش و الگوهای غربی است.

همان گونه که رهبر معظم انقلاب

مدظله العالی در سخنانی از مدگرایی افراطی در جامعه و تقلید از مدل های غربی به شدت انتقاد نموده و پیشنهاد کردند که با ارائه الگوهای بومی ایرانی «لباس ملی ایرانیان» طراحی شود^۳ تا از ورود مدل های غربی به کشورمان جلوگیری شود.

مفهوم شناسی

لباس شانی از شئون انسانی و در لغت به معنای پوشیدنی و جامه است؛ پوشیدن، همان در بر کردن، پنهان کردن و چیزی را در پرده نگاه داشتن است و در زبان فارسی برای لباس از واژه های، «پوشش» و «پوشاک» استفاده می شود.^۴

ملی: منسوب به ملت و آنچه در ید و اختیار ملت است و در زبان فارسی به سبب وابستگی دولت به ملت، ملت را ملی نیز گویند.^۵

لباس ملی: پوشش ویژه و خاص یک ملت است که به عنوان یک شان انسانی، نمودی از هویت فرهنگی آن ملت به شمار می رود.

آنچه به عنوان مساله اساسی امروز در پوشش اسلامی ایرانی مطرح است، استفاده از الگوهای غربی با هدف یکی

الگوهای هویت بخش و یک پارچه کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است.^۶

پوشش ملی و ارتباط مستقیم آن با هویت

لباس ملی یکی از مهم ترین مولفه های مرتبط با هویت افراد یک جامعه است. در جامعه ایرانی زمانی که از هویت ایرانی سخن به میان می آید، مقصود هویت فرهنگی ایرانی است که زمینه های گوناگونی از جمله لباس ملی کشورمان را در بر می گیرد که ارتباط مستقیم با هویت مردم این مرزوبوم دارد.

تاریخ و پیشینه پر افتخار کشورمان در میان جوامع اسلامی نشانگر این است که لباس ملی ایرانیان از قدیم الایام دارای ویژگی ها و صفت های خاصی مانند شرم، حیا، وقار و فروتنی بوده و بیش از هر چیزی نشان دهنده هویت فرهنگی، اجتماعی و قومی این ملت می باشد. بنابراین لباس بیش از هر چیزی نشان دهنده هویت انسانی، اجتماعی یک کشور است.^۷

کردن جوامع در حال توسعه است. این هدف فرهنگ غربی بی شک تهدیدی جدی است در فراموش شدن فرهنگ غنی و پر بار پوشش کشورها به ویژه ایران که پوشش ملی آن معرف تاریخ و فرهنگ این سرزمین بوده و هست و چشم پوشی از آن می تواند خطرهای جبران ناپذیری در حوزه فرهنگ و هنر مردم داشته باشد. بنابراین لازم است برای احیای مجدد این ارزش ها آنها را دوباره در زندگی امروز به کار گیریم. و مطابق آنچه مقام معظم رهبری در سخنان خود پیرامون طراحی لباس ملی فرمودند که:

«دستگاه های مسؤول کشور، دستگاه های دولتی، دستگاه های گوناگون، قانون گذاران دانشگاه ها، مدیریت های علمی و دانشگاهی و پژوهشی کشور، آموزش و پرورش، همه باید سخت تلاش کنند برای دستیابی به لباس ملی»

هویت: از منظر شهید مطهری هویت، وجود احساس مشترک یا وجدان و شعور جمعی در میان اعضای یک ملت است.

هویت ملی، مجموعه ای از گرایش ها و نگرش های مثبت به عوامل و عناصر و

ملی‌گرایی «ناسیونالیسم»
 یک ایده و جنبش است که هدف آن ترقی بخشیدن منافع یک ملت است. ملی‌گرایی نوعی آگاهی جمعی است، یعنی آگاهی و تعلق به ملت که آن را آگاهی ملی می‌خوانند. آگاهی ملی، اغلب پدیدآورنده حس وفاداری، شور و دل‌بستگی افراد به عناصر تشکیل‌دهنده ملت (نژاد، زبان، سنت‌ها و عادات، ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی به‌طور کلی فرهنگ) است و گاه موجب بزرگداشت مبالغه‌آمیز از آن‌ها و اعتقاد به برتری این مظاهر بر مظاهر ملی دیگر ملت‌ها می‌شود.^۸

گرایی مثبت، موجب همبستگی، روابط حسنه و احسان و خدمت بیشتر به کسانی که با آنها زندگی مشترک داریم می‌شود.^۹ طبق فرمایشات مقام معظم رهبری: ما ناسیونالیسم را به معنای مثبتش قبول داریم. هر کس باید به میهن خودش علاقه داشته باشد. مگر می‌شود کسی از میهن خودش دور باشد؟ ناسیونالیسم به این معنا چیز خوبی است؛ اما به این معنا که چون من اهل این جا هستم، پس بایستی علیه همه‌ی ملت‌های دیگر توطئه کنم و بدخواه آنان باشم و علیه آنان کید و مکر داشته باشم، این بد است.^{۱۰}

ملی‌گرایی در اسلام

وقتی سخن از ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) به میان می‌آید که آیا ملی‌گرایی خوب است یا بد؟ باید بگوییم که اسلام همه احساسات ملی‌گرایانه مثبت را محکوم نمی‌کند، بلکه احساسات منفی‌گرایانه را محکوم می‌کند. ملی‌گرایی منفی، نوعی گرایش به جنبه‌های قومی، نژادی و زبانی است که باعث جدایی انسان‌ها از همدیگر می‌شود و روابط آنها را خصمانه می‌کند. اما ملی

طراحی لباس

طراحی لباس یک کار هنری است که در حوزه تولید پوشاک و لوازم مربوط به سبک زندگی و تحت اوضاع فرهنگی و اجتماعی در یک دوره زمانی مشخص انجام می‌پذیرد.^{۱۱}

طراحی لباس ملی اولین بار در سال ۱۳۸۳ در شورای عالی انقلاب فرهنگی توسط مقام معظم رهبری عنوان شد و تاکید کردند:

«باید یک لباس ملی درست

ایران یک حقیقت بوده است و به هیچ وجه ایرانیان در برهنگی به سر نمی برده‌اند. از اینگونه پوشش می توان به سجایای اخلاقی، پاکدامنی و نجابت ایرانیان در طول تاریخ پی برد در این بخش به طور مختصر به اهمیت پوشش ملی در ادوار مختلف تاریخ ایران می پردازیم:

۱. پوشش ملی مردمان ایران باستان

پوشش ملی ایرانی از ابتدای تاریخ باستان این کشور تا کنون دست خوش تحولات جدی نشده و مفهوم پوشش از زمان باستان به این سو در فرهنگ ایرانی حفظ شده است. تجلیات پوشش در آثار باستانی ایران تا حدی است که برخی از تاریخ نگاران مانند استرابون در توصیف پوشیدگی ایرانیان می نویسند: ایرانیان اگر بخشی از بدنشان برهنه باشد آن را بی شرمی می دانند و همیشه بلند لباس می پوشند.^{۱۳}

۲. پوشش ملی زنان آریایی

در کیش آریایی زنان دارای پوشش کامل بوده اند. ویل دورانت در کتاب

کنیم بالاخره لباس ملی ما که این کت و شلوار نیست. البته من با کت و شلوار مخالف نیستم و خودم هم گاهی اوقات در ارتفاعات و یا جاهای دیگر ممکن است کاپشن بپوشم اما بالاخره این لباس ملی ما نیست»^{۱۲}

به این ترتیب پیش نویس طرح ساماندهی لباس ملی کلید خورد و نقطه عطفی در طرح لباس ملی توسط مقام معظم رهبری بود.

اهمیت پوشش ملی در ادوار مختلف تاریخ ایران

بی شک نوع و شیوه پوشش هر ملتی بر اساس فرهنگ و جهان بینی آنها استوار است. که تجلی آن در پوشش آنها به وضوح دیده می شود. درباره ایرانیان نیز همین طور بوده و هست. اما باید دانست که پوشش ملی ایرانیان به ویژه بانوان ایرانی از دوران پیش از اسلام، بنابر شرایط و بینشی که داشتند، بسیار خاص بوده است. چنانکه بررسی ها نشان می دهد که پوشش تمام بدن در دوره های مختلف تاریخی چه نزد زنان و چه نزد مردان در

«تاریخ تمدن» می نویسد: غالب پارسیان برهنه بودن حتی قسمتی از بدنشان را بی شرمی می دانند و همیشه بلند لباس می پوشند در زمان داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع جز در تخت روان و روپوش دار از خانه بیرون نمی آمدند.^{۱۴}

بعد از ورود اسلام به ایران پوشیدن بدن زنان تکلیف شرعی و واجب تلقی شد. با توجه به اینکه ارزش های دینی منشاء ارزش های اجتماعی است و ایران پیش و بعد از اسلام از فضایی دینی برخوردار بوده، به نظر می رسد پوشیده بودن زنان ایرانی ارزشی اجتماعی تلقی می شده که از دیر باز وجود داشته است.

مطالعات نشان می دهد که با ورود اسلام به ایران، هم فرهنگ اسلامی پوشش بر فرهنگ ایرانی مؤثر بوده و هم فرهنگ ایرانی بر اسلامی، تا جایی که جواهر لعل نهرو معتقد است که پوشش از ملل غیر مسلمان روم و ایران به جهان اسلام وارد شد. اما از نظر شهید مطهری این سخن درست نیست «بعدها بر اثر معاشرت اعراب مسلمان با تازه مسلمانان غیر عرب، حجاب از آنچه در زمان رسول

اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وجود داشت شدیدتر شد.»^{۱۵}

۳. پوشش ملی در دوران صفویان

در دوره صفوی که حضور جهانگردان در ایران بیشتر شد این جهان گردان در سفرنامه های خود توصیفات جالبی از پوشش زنان ایرانی دارند. مثلاً کلاوی خو جهانگرد اسپانیایی در سفرنامه اش می نویسد زن های شهری معمولاً روی پوشیده اند و عجب آنکه چادر سفید داشته اند نقاب سیاه؛ واقعا مثل ماه، زیر میخ (ابر) رفته اند.

اما با رسوخ فرهنگ برهنگی در کشور ایران در دوره صفویه و آغاز شدت مرادات فرهنگی ایران و غرب مردم ایران، تحت تأثیر تحولات غرب، خواهان اصلاحاتی در نظام حکومتی شدند تحولات سیاسی بعد از آن باعث روی کار آمدن رضاخان و تأسیس سلسله پهلوی شد، شاهان این رژیم خواستار تحولات سکولاریستی در جامعه شدند و گفتمان فرهنگ لیبرال را سر لوحه سیاست های اقتصادی و فرهنگی خویش قرار دادند در این گفتمان بر تقلید

از فرهنگ غرب تأکید و شبه مدرنیسم در جامعه حاکم شد. اما عملاً بانوان ایرانی تأثیری از این فرهنگ نپذیرفتند و همواره با پوشیدگی و حجاب اسلامی در جامعه ظاهر می‌شدند.^{۱۶}

۴. پوشش ملی در زمان رضاشاه

در زمان رضاخان یکی از کشورهای که برنامه اصلی استعمار برای مسخ فرهنگی آنها بر روی مقوله پوشش محوریت یافت، ایران بود زیرا ایرانیان در میان مردم سایر بلاد، بیش از همه حجاب و پوشش ملی خود را پاس داشته، به آن پایبند بودند چون پوشش برای ایرانیان از دو جنبه ملی و دینی دارای اهمیت بود و حتی به عنوان اصلی ترین جلوه دینداری نیز از قدیم مطرح بوده است، تهاجم به آن، یک تیر با صد نشان محسوب می‌شد.

چنین بود که رضاخان، حاصل تمام مردم فریبی های خود در مؤمن مآبی و اعتقاد به اسلام را به یک باره بر باد داد و با صدور فرمان کشف حجاب، اوج وابستگی به استعمار را به نمایش گذاشت.

اولین حرکت منسجم برای تغییر در

لباس ایرانیان، از سوی مجلس شورای ملی و در نخستین سال های حکومت رضاخان آغاز شد. که سرپیچی از این مقررات، به ۱ تا ۵ تومان جزای نقدی و یا تا هفت روز حبس محکوم می شدند.

با اجرای این قانون در حقیقت الگوی لباس ایرانی از میان رفت و شاید از همان جا بود که تمسخر لباس های ملی و محلی اقوام ایرانی، به صورت یک خرده فرهنگ در دل فرهنگ اجتماعی ما جای گرفت.^{۱۷}

۵. پوشش ملی بعد از انقلاب اسلامی

بعد از انقلاب اسلامی، پوشش افراد به نماد و تابلوی گرایش سیاسی آنها تبدیل شد؛ چنان که نیروهای دسته بندی شده در طیف طرفدار روحانیت، از زدن کراوات خودداری کردند و نیز زنان عضو این گروه ها، اکثراً چادر به سر می کردند.

با عزل بنی صدر و فرار او به خارج، گفتمان چادر و پیراهن روی شلوار، بر سایر شیوه های لباس پوشیدن، غالب شد. این چیرگی، سال ها ادامه یافت تا آن که جنگ به پایان رسید و فن سالاران، بر

سیاست و اقتصاد حاکم شدند مدیران ارشد غیرروحانی، مرغوب ترین کت و شلوارهای دوخت گالری های معروف جهان را بر تن می کردند پیراهن های خود را با فریم عینک هایشان ست می نمودند؛ زنان این جمع اما یارای به کنار گذاردن یک باره چادر را نیافتند؛ اما در عمل و سخن از اجبار زنان به پوشیدن چادر مشکی انتقاد کردند و حتی گاهی رنگ سیاه برای لباس زنان را بدعت در دین و بر خلاف سنت شیعه خواندند این گروه، اگر چه چادر را نتوانست منسوخ کنند، اما چنان آن را از تقدس خارج کردند که نزدیک به یک دهه پوشیدن چادر یا مانتو و نزاع بر سر آن میان والدین و دختران جوان و یا بین دختران و پسران در شرف ازدواج، به اصلی ترین چالش اجتماعی کشور تبدیل شد.^{۱۸}

«این در حالی است که مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۳ عنوان کردند که چادر، لباس ملی ماست چادر، پیش از آنکه یک حجاب اسلامی باشد، یک حجاب ایرانی است. مال مردم ما و لباس ملی ماست.»^{۱۹}

ویژگی های لباس ملی

(با چه معیارهایی باید لباس ملی طراحی شود؟)

۱. لباس ملی و رعایت

اندیشه پوشاندگی

لباس به معنای ستر تامین کننده بخشی از نیاز فرهنگی بشر است که این اندیشه جدا از بحث دین هم مطرح می شود «هیچ هنری نیست که بیشتر از هنر جامه در روح آدمیان موثر باشد»^{۲۰} خداوند در قرآن می فرماید: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا»^{۲۱} و در آیه دیگری می فرماید: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا»^{۲۲} اشاره به ساتر بودن لباس دارد که خداوند شب را برای شما لباس قرار داد.

هم چنین در آیه دیگری فرماید: وَيَحْفَظُنَّ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ.....^{۲۳}

در آیه دیگر اشاره می کند که: «يُبْدِينَ عَلِيَهُنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ»^{۲۴} به پوشش زنان از نگاه قرآن اشاره شده است.

۲. لباس ملی ایران عنصر زیبایی در طرح و رنگ

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «لباس زیبا بپوش؛ زیرا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، اما باید حلال باشد»^{۲۵}

لباس مردمان ایرانی در دوره های تاریخی همواره زیبا و مناسب و در عین حال دارای وقار و پوشیدگی بوده است. علاوه بر جذابیت و منحصر به فرد بودن، زیبایی و شکیل بودن آن؛ راحت، مناسب، کامل و برگرفته از سنت های بومی مناطق مختلف است و مناسب برای فضای جامعه امروزی نیز خواهد بود.

در همین زمینه مقام معظم رهبری در بحث گرایش جوانان به زیبا سازی و نوگرایی فرمودند: جوان از زیبایی و زیبا سازی خوشش می آید و دلش می خواهد که خودش هم زیبا باشد این عیبی هم ندارد؛ یک امر طبیعی و قهری است؛ در اسلام هم منع نشده است، البته این شاید با مقوله نوگرایی مقداری تفاوت کند نوگرایی امر عام تری است. آن چیزی که منع شده فتنه و فساد است.

اگر به صورت افراطی به شکل مدیرستی

در آید این به فساد خواهد انجامید اگر این مقوله زیبا سازی و رسیدن به سر و وضع و لباس و امثال این، مشغله اصلی زندگی شود، انحراف و انحطاط است.^{۲۶}

۳ - لباس ملی ایرانی و ارزش گذاری به بدن

لباس ملی ایران باعث حفظ حرمت و شان بشر و رعایت عفت و پاک دامنی شخص و حفظ شئون فردی می شود. در روایتی به نقل از حضرت علی (علیه السلام) آمده است: «به راستی زیباترین لباس، آن لباسی است که تو را با مردم همسان کند و موجب آرامش تو در میان آنان شود و زبان های آنان را از بدگویی تو باز دارد»^{۲۷}

با توجه به این روایت تمام این ویژه گی ها در بسیاری از لباس های سنتی ایرانیان به وضوح دیده می شود. اما این اندیشه در برابر تفکر بشر پس از گرایش به مادی گرایی است. به نقل از گنون: «بنیاد دانش متجدد به محدود کردن اجباری معرفت به علوم پست تر (واقعیات مادی و محسوس) است به همین سبب هر گونه ارزش معنوی را از دست می دهد»^{۲۸} و مظاهر

متعدد آن در عموم زمینه‌ها سبب اغتشاش دوران ما (پوشش فردیت) است.»^{۲۸}

۴- لباس ملی ایرانی متناسب با نوع تفکر بومی و ملی

تناسب با نوع تفکر بومی و ملی از قبیل؛ رعایت کارکردهای آن در شرایط اقتصادی و اجتماعی، (حفظ شئون اجتماعی).

تارونیه اصطلاح «قربت به لباس» را کارکرد اجتماعی آن، چنین معنی می‌کند: «هر طور که لباس بپوشی، به همان درجه مورد توجه و احترام هستی بنابراین لباس دارای کارکرد اجتماعی و نیز بار معنایی است.»^{۲۹}

۵- لباس ایرانی متناسب با شرایط زمانی

هم سویی نوع، رنگ، اندازه، عرض و طول لباس و جزئیات لباس ملی با شرایط اقلیمی و جغرافیایی و نیز تمایزات جنسیتی، اعتباربخشی جنس پارچه و زیبایی لباس، پوشنده آن در ادوار تاریخی ایران به وضوح دیده می‌شود

۶- لباس ایرانی متناسب با شرایط مکانی

استفاده صحیح لباس متناسب با کارکرد آن (لباس مشاغل و اصناف لباس در محیط‌های اجتماعی یا اماکن خصوصی)

۷- لباس ایرانی و به کارگیری هنر و صنعت بومی دریافت پارچه، طرح لباس و دوخت آن

استفاده از پوشش سنتی برای افراد که در راستای ارزش‌ها، آیین‌ها و رسوم سنتی به جای مانده، سبب القای نوعی هویت بومی است، علاوه بر آن سنت ایرانی همواره بر آن بوده که ماده اولیه پارچه را خود آماده و رنگرزی کند و بیاورد و نقش پارچه را مطابق آیین خود ساخته و دوخت آن را رقم زند

از مفاهیم ثابت و ذاتی لباس ملی می‌توان اندیشه‌ی پوشانندگی، حجب و حیا برشمرد که مثال ملموس آن کاربرد سرپوش‌ها توسط مردان و زنان ایرانی از زمان پیش از اسلام است.^{۳۰}

فواید لباس ملی

۱. پوشش ملی، اگر براساس هنجارهای فرهنگی و مذهبی باشد، خود عاملی در جهت حفظ فرهنگ ملی، بومی و مذهبی خواهد بود.

۲. پوشش ملی باعث از بین رفتن تفاوت های طبقاتی رایج در جامعه می شود.

لباس ها دارای نمادهایی هستند که از طریق آن پیام هایی را به مخاطب می رسانند و نوع لباس پوشیدن فرد نیز نشانگر شخصیت اوست. لباس ملی باعث می شود که تفاوت های شخصیتی افراد مشهود نبوده و همه با یک نگاه نگریسته شوند و همین امر عاملی برای هم رنگ سازی افراد آن جامعه شده و باعث از بین رفتن تفاوت های طبقاتی خواهد شد.

۵. پوشش ملی باعث جلوگیری از مصرف گرایی در پوشاک خارجی و غیر بومی خواهد شد.

مصرف گرایی در جوامع باعث از بین رفتن فرهنگ، اصالت و ارزش های جامعه و سبب سرازیر شدن پوشاک وارداتی به کشور شده و باعث به وجود آمدن پوشش

ها و مدهایی مغایر با اصول و هنجارهای جامعه در میان جوانان شده است.

۶. پوشش ملی سبب رواج لباس هایی براساس هنجارها و ارزش های موجود در خود جامعه خواهد شد و یکی از مهم ترین ارزش های حاکم بر جامعه ما که نشات گرفته از فرهنگ ملی، مذهبی و منطبق بر معیارهای اسلامی است؛ حجاب و نفی برهنگی است.

۷. پوشش ملی باعث جلوگیری از تنوع طلبی می شود

پوشش ملی در اجتماع سبب می شود تمایزهای طبقاتی و شخصیتی حس نشود و اگر براساس هنجارهای فرهنگی و مذهبی باشد علاوه بر جلوگیری از تنوع طلبی خود عاملی در جهت حفظ فرهنگ ملی، بومی و مذهبی خواهد بود. برای اجرای این طرح باید همه عوامل فرهنگی، اجتماعی، عرفی و روانی در نظر گرفته شود.

آسیب های لباس ملی

۱. ناسازگاری لباس های ملی با شرایط اقلیمی و آب و هوایی

اگر به تمدن لباس ایرانی برگردیم متوجه می شویم که پارچه ها، مدل ها و الگوهایی که در آنها استفاده می شدند بر اساس شرایط آب و هوایی و جغرافیایی کشور و عرفی که جامعه ایرانی داشته، طراحی می شده. اما لباسی که امروز ارائه می شوند مناسب با شرایط اقلیمی و آب و هوایی و عرف نیستند. ما نمی توانیم لباس های گذشته را طراحی کنیم و بپوشیم، اما می توانیم با اقتباس از الگوها و نمونه های ایران قدیم لباس های جامعه پذیری برای جامعه امروز تولید کنیم تا مردم بتوانند آن ها را بدون جلب توجه چندان بپوشند.

۲. ناسازگاری لباس ملی با فرهنگ و پوشاک مردم بومی منطقه

در طراحی لباس ملی از متدهایی که متناسب با فرهنگ و پوشاک مردم منطقه است؛ چیزی به چشم نمی خورد.

از جمله آنالیز و ساده سازی الگوها جهت راحتی بیشتر و استفاده در مجامع عمومی امروزی، هماهنگی طرح و فرم متناسب باجنسیت، فرهنگ، سنت و تجدد در لباس، کاربرد رنگهای شاد در طرح ها و پارچه هایی با نقوش سنتی ارتباط بین سنت گذشته و حال و هوای پوشاک امروزی که به خوبی می تواند حفظ شود؛ متأسفانه دیده نمی شود.^{۳۱}

۳. یک نواختی و استفاده محدود از رنگها در طراحی لباسهای ملی

آنچه مسأله اساسی امروز در پوشش اسلامی و ایرانی به ویژه برای بانوان مطرح است؛ یک نواختی و استفاده محدود از رنگ در لباس هاست که عمدتاً طرح های البسه، متناسب با الگوهای ساده شده غربی با هدف یکی کردن جوامع در حال توسعه و نزدیک شدن به دهکده جهانی است. این هدف فرهنگ غربی، بی شک تهدیدی جدی است در فراموش شدن فرهنگ غنی و پربار پوشاک سنتی کشورها و به ویژه ایران؛ چراکه لباس و حجاب و پوشش ملی باید معرف تاریخ و

فرهنگ سرزمین ما باشد.^{۳۳}

۴. به کار نگرفتن هنر و صنعت بومی در طراحی و دوخت لباس ملی

در طراحی و دوخت لباس ملی و مواجهه آن با فرهنگ بیگانه؛ تغییرات در هنر و صنعت به عنوان بخشی از هویت فرهنگی ایرانی، از مسیر اصلی خارج شد و عواملی به آن پیوست که با هویت اصلی ایرانی کم تر سازگاری داشت. این امر سبب شد که نه تنها در ظاهر صنعت پوشاک تغییرات رخ دهد بلکه نوع تفکرات افراد و نگرش ایشان بر فرهنگ دین و آیین نیز دست خوش تحولات قرار گیرد.^{۳۳}

راه‌های ترویج لباس ملی

الف: همکاری نهادهای فرهنگی و طراحان مد و لباس با همدیگر
در اینکه صرفاً از طراحان داخلی لباس انتظار داشته باشیم به تنهایی در راستای تولید و فروش الگوهای خود در زمینه پوشش ایرانی - اسلامی فرهنگ سازی کنند، راه به جایی نخواهیم برد؛ بلکه این مهم نیازمند همکاری و هماهنگی سایر

بخشها و نهادهای مختلف فرهنگی است. از طرفی میل به نوگرایی، تنوع طلبی، به روز بودن و کم نیابردن و میل به هویت های جدید، رقابت و چشم و هم چشمی، زیبا و متفاوت بودن و غیره در میان جوانان زیاد به چشم می خورد. اشاعه فرهنگ مدرنیته و نفوذ آن در اعماق نهادهای جامعه موجب گردیده فرهنگ سنتی و فرهنگ متجدد مقابل هم قرار گیرند و دست اندرکاران طراحی لباس کشور ما هنوز نتوانسته اند از پوشش های زیبای مناطق مختلف کشور و تلفیق این پوشش ها و الگو برداری از آنها برای تولید لباس و ارائه مد، بهره برداری نمایند غربی ها از این خلاء و فرصت ها نهایت بهره برداری را می برند و با نفوذ در میان جوانان ما، فرهنگ خود را ترویج می کنند.^{۳۴}

همان گونه که رهبر معظم انقلاب در سخنانی از مدگرایی افراطی در جامعه و تقلید از مدل های غربی به شدت انتقاد کردند و فرمودند: «تقلید فرهنگی خطر خیلی بزرگی است، اما این حرف اشتباه نشود با اینکه بنده با مد و تنوع و تحول در روش های زندگی مخالفم؛ نخیر، مدگرایی و نوگرایی اگر افراطی نباشد، اگر روی چشم و هم

چشمی و رقابتهای کودکانه نباشد، عیبی ندارد. لباس و رفتار و آرایش تغییر پیدا می‌کند، مانعی هم ندارد؛ اما مواظب باشید قبله‌نمای این مُدگرایی به سمت اروپا نباشد؛ این بد است.

اگر مدیست‌های اروپا و امریکا در مجلاتی که مُدها را مطرح می‌کنند، فلان طور لباس را برای مردان یا زنانِ خودشان ترسیم کردند، وما تقلید کردیم این بد است. خودتان با ارائه الگوهای بومی ایرانی، لباس ملی طراحی کنید»^{۳۵}

بنابراین آگاهی و فرهنگ سازی مهم ترین شیوه‌ای است که می‌تواند دأئقه قشرهای مختلف مردم که به مد گرایی دارند و بعضاً در این راستا کور کورانه مقلد بیگانگان هستند را تغییر دهد و به سمت الگوهای سنتی و اسلامی کشور علاقه مند نماید.

ب: تولید فکر و تأثیر گذاری فرهنگی بر جوانان و زنان

۱. ارائه راهکارهای اجرایی توسط شورای فرهنگ عمومی در زمینه فرهنگ عفاف و حجاب.

۲. ارائه الگوی پوشش مناسب مبتنی بر

هنر و تمدن اسلامی- ایرانی به مردم به ویژه جوانان؛ که بسیار آسان تر از مبارزه با بدپوشی و بدحجابی در جامعه است.

۳. ارج گذاری، تبیین، تثبیت، اشاعه و هدایت الگوهای بومی و ملی.

۴. ترغیب مردم به پرهیز از انتخاب و مصرف الگوهای غیر مأنوس با فرهنگ و هویت ملی ایرانی.

۵. باز مهندسی فرهنگ مد و سبک های پوششی ایرانی اسلامی.

۶. آشناسازی مردم با فرهنگ اسلامی ایرانی.

۷. طراحی لباس منطبق با فرهنگ اسلامی ایرانی و سرمایه گذاری و حمایت از طراحان در این زمینه.

۸. ایجاد تعامل میان جشنواره های مد و لباس و هنرمندان و ستاره های سینما بعنوان مراجع صدور مد و طراحی لباس ملی.

۹. ایجاد ساختار مناسب برای سازماندهی مثلث طراحی تولید و توزیع البسه.

۱۰. ایجاد تعامل و هم افزایی بین فعالین بخش دولتی و خصوصی در زمینه صنعت مد و لباس و کالبد شکافی همه جانبه تحویل مد و لباس در کشور یک

با احیای سنت های قدیمی علاوه بر حفظ فرهنگ اصیل ایرانی به ارائه یک الگوی منطبق با شاخص ها با فرهنگ عمومی و شئون اسلامی در شأن مردم بزرگوار کشور دست یافته و «لباس ملی ایرانیان» طراحی شود.^{۳۸}

سخنی با طراحان لباس

نفوذ مزد بگیران و سرویس های جاسوسی در خصوص پوشش زنان و مردان ایرانی در جامعه مشهود بوده و سازمان ها و رسانه هایی که مأموریت جنگ روانی در راستای اهداف خود را بر عهده دارند تمرکز ویژه ای بر موضوعات فرهنگی، فکری و معنوی جامعه و از بین بردن هویت ملی مذهبی ایران به خصوص موضوعات اخلاقی و پوشش مردان و زنان ایرانی دارند، و سعی در القای خسته شدن جامعه ایرانی از معنویات اخلاقی دارند و در گزارش هایی با استفاده از نوع طرح های طراحان لباس که مطابق با سبک طراحی های لباس و پوشش های غربی بوده، جامعه را به سوی ابتذال فرهنگی و اخلاقی پیش می برند.^{۳۹} نقش طراحان لباس در این امر بسیار حائز اهمیت و مهم است و عملاً نقش

موضوع پیچیده و در عین حال حیاتی است که باید از مدارس آغاز و با مشارکت همه نهادهای فرهنگی و تربیتی دنبال شود.^{۳۶}

۱۱. برای پوشش مشترک بهتر است از رنگ هایی که تأثیر مثبت در روحیه افراد دارد استفاده شود مدل و دوخت لباس باید راحت و مطابق با معیارهای اسلامی باشد. برای تحقق منویات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ارائه سبک زندگی اسلامی در جهت تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی بایستی فضایی ایجاد شود که «برند سازی» شکل گرفته و طرح های خلاقانه و نو متناسب با فصول اول و دوم سال، متناسب با شاخص ها و استانداردهای اسلامی و ایرانی فرصت ظهور و بروز پیدا کنند. این مسئله می تواند زمینه تعامل و همکاری و در نتیجه صادرات البسه ایرانی به سایر کشورها را نیز فراهم کرده و در پی آن برای طراحان مد و لباس یک اشتغال پایدار ایجاد نماید.^{۳۷}

هم چنین وجود اقوام کهن و گوناگون ایرانی در کشور زمینه بالقوه مناسبی برای تولید و ارائه طرح های مختلف لباس را فراهم می کند؛ که متأسفانه از این ظرفیت استفاده نشده است. براین اساس می توان

فرهنگ سازی را بازی می‌کند و متاسفانه به علت عدم ساختار مشخص و معین در طراحی لباس؛ طراحان با استفاده از الگوهای غربی بدون در نظر گرفتن فرهنگ و هویت ایرانی اسلامی آثار خود را ارایه می‌دهند و گاهی با چاشنی تم‌های ایرانی و سنتی به اصطلاح به آن هویت ایرانی می‌دهند. طبعاً طراحی لباس مناسب و درخور شان دختر و زن ایرانی می‌تواند به عنوان یک کار اقتصادی در جامعه ایران رواج یابد و ضمن حفظ ارزش‌های ایرانی و اسلامی حس تنوع طلبی و زیبایی دوستی دختران و پسران ایران را با استفاده از رنگ‌های شاد و نقش‌های سنتی پاسخ دهد که مسولیت این امر با بنیاد ملی مد و لباس اسلامی ایرانی و ساماندهی طراحان لباس است. متاسفانه امری که باعث بروز این امر شده است عدم ساماندهی طراحان واقعی با طراحان غرب‌گرا است که می‌توان با غرب‌الگری صحیح و ممیزی درست، طراحان وفادار به سنت ایرانی را مورد شناسایی قرار داد. زمانی که به درون مایه کارهای فرهنگی در جامعه نگاه می‌شود افسوس‌های بیش نمی‌ماند که مسئولین امر تا به حال در این چهل سال چقدر به بیراهه

رفته‌اند و به جای تربیت نسلی که هویت فرهنگی و ملی خود را درک کند، به دنبال تحمیل نوع پوشش در جامعه هستند.^{۴۰} در همان اوایل تهاجم فرهنگی رهبر معظم انقلاب اسلامی با بصیرت و تیزبینی، این توطئه شوم دشمن را شناسایی کردند و با عنوان شیخون فرهنگی و بعدها ناتوی فرهنگی به مسئولین و مردم هشدارهای لازم را فرمودند ولی به علت سلیقه‌ای رفتار کردن ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف و موازی کاری، دشمن با هدف گرفتن ایمان و اعتقادات جوانان عملاً تا به حال برنده این جنگ نرم فرهنگی است و تنها راه صحیح، در این مسیر سپردن کار به سازمان مطبوعه که همان بنیاد ملی مد و لباس اسلامی ایرانی و جلوگیری از هرگونه موازی کاری است.^{۴۱}

نتیجه‌گیری

لباس ملی ایرانیان به دلیل قدمت و تمدن بالا و فرهنگ غنی آن در میان دیگر ملل جهان از اهمیت ویژه برخوردار است. زیرا زمانی که در تمدن‌های جهان به خصوص غرب برهنگی یک ارزش بود ایرانیان دارای فرهنگ پوشش کامل و متناسب بودند

بنابراین برای ترویج این فرهنگ غنی و ارزشمند که مشخص ترین نماد ملی و هویت کشورمان به شمار می آید، باید بکوشیم و با فرهنگ سازی که مهم ترین شیوه برای ترغیب مردم به خصوص نسل جوان به شمار می آید، لباسی طراحی کنیم که در عین زیبایی و شکیل بودن بتواند ذائقه قشرهای مختلف مردم که گرایش به مد دارن و متاسفانه به سمت الگوهای غیرمانوس با فرهنگ و هویت ملی، ایرانی گرایش پیدا کرده اند را تغییر داند. آن ها رابه سمت الگوهای سنتی، اسلامی علاقه مند ساخت.

همان گونه که رهبر معظم انقلاب در سخنرانی های خود مکرر پوشش ملی را مورد تاکید قرار دادند و فرمودند: ما باید لباسی داشته باشیم که بگوییم ایرانی است، لباس ومدی که از داخل جوشیده باشد بنا براین تحقق بخشیدن به اجرای طرح سامان دهی مد و لباس ملی، ایرانی مطابق با الگوهای داخلی و فرهنگ و هویت ایرانی و ترویج آن یک امر ضروری است.

پی نوشت ها

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه های استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷.
۲. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۳. بیانات مقام معظم رهبری با جوانان استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۷.
۴. احسان، یار شاطری، پوشاک در ایران، ترجمه پیمان متین، چاپ چهارم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۳، ص ۱۸.
۵. جعفر، لنگرودی، مطالعه و یاد گیری کتب مرجع و لغت نامه ها، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۹۶، واژه ملی.
۶. قدرت الله، قربانی، هویت ملی از دیدگاه شهید مطهری، فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۳.
۷. محمود رنجبر، و هدایت الله ستوده، مردم شناسی با تکیه بر فرهنگ مردم ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸، ص ۹۵.
۸. داریوش، آشوری، دانشنامه سیاسی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۴، ص ۳۱۹.
۹. مرتضی، مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، انتشارات صدر، ۱۳۶۲، ص ۶۱.
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنفرانس جهانی

- اهل بیت(ع)، ۱۳۶۹/۷/۲۶.
۱۱. پروین، بابایی، بررسی مبانی نظری طراحی مد لباس زنانه در الگوی ایرانی-اسلامی، نشریه نقد کتاب دلدن، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۱۲. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷.
۱۳. مهرآسا، غیبی، تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، مترجم منوچهر غیبی، انتشارات هیرمند، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰.
۱۴. سید عبدالمجید شریف زاده، تاریخ نگاری در ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۹۲؛ ویل دورانت تاریخ تمدن، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۵۲.
۱۵. سعید زاهد زاهدانی، عبدالله دشتی، گرایش دانشجویان به انواع حجاب، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۱۵، ۱۳۸۵، صص ۱۰۱ تا ۱۳۴.
۱۶. سید عبدالمجید شریف زاده همان، ص ۹۵.
۱۷. صلاح مهدی، کشف حجاب: زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲.
۱۸. همان
۱۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پرستاران، ۱۳۶۳/۲/۷.
۲۰. تیتوس، بور کههات، هنر اسلامی (زبان و بیان)، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش، ص ۱۱۱.
۲۱. سوره نبا - ۱۰.
۲۲. سوره فرقان - ۴۷.
۲۳. سوره فرقان - ۴۸.
۲۴. سوره نور - ۳۱.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الاثمه الاطهار، ج ۶۲، تهران، انتشارات اسلامی، بی تا، ص ۱۲۵.
۲۶. بیانات در دیدار جوانان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۰۶.
۲۷. عبدلوهب آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محمدعلی انصاری، قم، نشر امام عصر، ص ۳۴۰.
۲۸. رنه، گنون، بحران دنیای متجدد، ترجمه ضیاءالدین دهسیری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹، ص ۸۰.
۲۹. مرتضی، راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۷، چاپ چهارم، تهران، انتشارات آگاه، ص ۶۴.
۳۰. ملز، آرتور، دموکراسی و هنر، چاپ اول، تهران، انتشارات چشمه، ص ۲۱۷.
۳۱. آناهیتا، مقبلی، سمانه قمری، احیای باور ایرانیان امروز به جلوه‌های میراث کهن سرزمین خود در الگوهای پوشش، شماره ۲، صص ۱۹ تا ۲۵.
۳۲. متین، پیمان، پوشاک و هویت قومی و ملی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۹، ص ۱۵۲.
۳۳. همان
۳۴. <https://article.tebyan.net>
۳۵. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان و نخبگان دانشگاه همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷.
۳۶. <https://ezhar.ir/social/fashion-hijab>
۳۷. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار

۹. زاهدی، سعید عبدالله دشتیه، گرایش دانشجویان بر انواع حجاب، مجله مطالعات اجتماعی ایران شماره ۱۵، ۱۳۸۵.
۱۰. شریف زاده، سید عبدالمجید، تاریخ نگاری در ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۷۵.
۱۱. صلاح، مهدی، کشف حجاب؛ زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴.
۱۲. غیبی، مهرآسا، تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، مترجم منوچهر غیبی، انتشارات هیرمند، ۱۳۸۵.
۱۳. قربانی، قدرت الله، هویت ملی از دیدگاه شهید مطهری، فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳.
۱۴. گنون، رنه، بحران دنیای متجدد، ترجمه ضیاءالدین دهشیری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
۱۵. لنگرودی، جعفر، مطالعه و یادگیری کتب مرجع و لغت نامه‌ها، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۶.
۱۶. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدر، ۱۳۶۲.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۶۲، تهران، انتشارات اسلامی، بی تا.
۱۸. یار شاطری، احسان، پوشاک در ایران، ترجمه پیمان متین، چاپ دوم، تهران، امیر

- دانشجویان و نخبگان دانشگاه همدان ۱۳۸۳/۴/۱۷.
۳۸. <https://markazi.farhang.gov.ir>
۳۹. سایت بنیاد ملی مد و لباس اسلامی ایرانی
۴۰. همان
۴۱. khamenei.ir

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آرتور، ملز، دموکراسی و هنر، گروه ترجم شیرازی زیر نظر شاپور جورکش، چاپ اول، تهران، انتشارات چشمه، بی تا.
۳. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۴.
۴. آمدی، عبدالواهب، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محمدعلی انصاری، قم: امام عصر، ۱۳۸۰.
۵. بابایی، پروین، بررسی مبانی نظری طراحی مد لباس زنانه در الگوی ایرانی-اسلامی، بی جا، بی تا.
۶. بورکهارت، تیتوبی، هنر اسلامی (زبان و بیان)، مترجم مسعودرجب نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۵.
۷. رنجبر، محمود و هدایت الله ستوده، مردم شناسی با تکیه بر فرهنگ مردم ایران، تهران، ندای آریانا، ۱۳۸۸.
۸. اروندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، چاپ چهارم، ج ۷، تهران، آگاه، ۱۳۸۳.

کبیر، ۱۳۸۲.

[/https://khamenei.ir](https://khamenei.ir) .۱۹

<https://ezhar.ir/social/fashion-hijab> .۲۰

<https://markazi.farhang.gov.ir> .۲۱

ماهیت عرف و پوشش و رابطه آنها

فاطمه قیامی - سطح سه حوزه

که در عرف نمود دارد پوشش زن و مرد است. نقش عرف در این میان، انتخاب نوع پوششی مناسب و منطبق بر حدود شرعی می باشد. این اثر با جمع آوری مطالب به صورت کتابخانه ای و تحلیلی نگاشته شده و از نتایج آن شناخت و آگاهی جایگاه عرف و میزان تاثیر گذاری آن در پوشش زن و مرد است.

کلیدواژه ها: عرف، پوشش، حجاب،

زن و مرد

مقدمه

پوشش از مسائل مهم در زندگی انسان است که از دیر باز و حتی در زمان انسان های نخستین نیز برای آن ها دغدغه و یک نیاز بوده و همواره در صدد استفاده از پوششی مناسب برای خود به منظور

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی عرف و نقش آن در پوشش زن و مرد با تأکید بر آیات و روایات آماده شده است. فقها در استنباط احکام شرعی از منابعی چون آیات قران کریم، احادیث معصومین (علیهم السلام)، عقل و اجماع بهره جسته و علاوه بر آن عرف جامعه را حجت و معتبر دانسته اند. عرف عمل و روشی است که به تدریج و در طول زمان بر اثر تکرار، بدون دخالت قوهی قانون گذاری، در اثر نیازهای اجتماعی میان همه ی افراد جامعه یا گروهی از آن ها مقبول و متداول شده، البته برخی عرف را به خودی خود دارای حجیت و اعتبار به لحاظ شرعی ندانسته و آن را منوط به کشف امضاء، تأیید و عدم ردع شارع مقدس بیان نموده و یکی از مباحث مهمی

محفوظ ماندن از گرما و سرما، محافظت بدن و پوشاندن اعضای بدن بوده اند. اما نگاه درون دینی پوشش برای حفظ کرامت انسانی، حفظ صفات انسانی و مصون ماندن از هوا و هوس، سعادت زندگی فردی و اجتماعی است، پوششی که در عین داشتن خصوصیات مورد نیاز یک پوشش، تعالی بخش و کامل باشد.

می توان این موضوع را با رویکردهای گوناگون تاریخی، جامعه شناختی، روان شناختی، دینی مورد مطالعه قرار داد.

با توجه به وجوب پوشش و حجاب زن و مرد از دیدگاه اسلام، در این زمینه آثار متعددی نگاشته شده ولی جایگاه عرف در پوشش زن و مرد با توجه به متون دینی مورد اهمال قرار گرفته و بصورت پراکنده و مختصر این موضوع بررسی شده و از امتیازات این اثر نگاه جامع و دقیق تر به این عنوان است. این مقاله در ضمن تعریف لغوی و اصطلاحی عرف، به اقسام و حجیت آن، اهمیت پوشش زن و مرد کارکردهای آن، ویژگی های پوشش مناسب پرداخته است.

عرف در لغت و اصطلاح

در معنای لغوی عرف سه تعریف قابل توجه است:

(الف) پیاپی بودن شیء؛ که اجزاء آن متصل به یکدیگر باشند^۱ این معنا در خطبه معروف «شقشقیه»، هنگامی که انبوه و ازدحام مردم برای بیعت با امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده بودند، فرمودند: «فَمَا رَأَيْتُنِي إِلَّا وَالنَّاسُ كَعُرْفِ الضَّبُعِ؛ روز بیعت، فراوانی مردم چون یال های پر پشت گفتار بود.»^۲

(ب) هر بلندی؛ عرب به هر بلندی مکان و زمین مرتفعی عرف می گوید. آیه «وَيَبِّئُهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ؛ و در میان آن دو [= بهشتیان و دوزخیان] حجابی است؛ و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یک از آن دو را از چهره شان می شناسند»^۳ ناظر به این معنا است.

(ج) معروف و امر پسندیده، شناخته شده؛ چنان که «بن منظور» در این باره می گویند: «المعروف ضد المنکر، والعرف ضد النکر»^۴

هم چنین «راغب» در معنای این واژه

عرف در علم فقه؛ علماء فقه به صورت خاص در مقام تعریف عرف بر نیامده‌اند، در اقوال و مکتوبات خود از الفاظی همچون «سیره عملی»، «عمل الناس»، «عرف العاده»، «محاسن العادات» استفاده نموده‌اند. عرف را همان عقلا دانسته از آن بعد که دارای عقل و خرد هستند [آن چنان که] گاهی به بنای عقلا استدلال می‌کنند و منظور ایشان درک و فهم عرفی عقلا است.^۹

عرف در علم اصول؛ تعریف‌های متعددی از سوی اصولیون برای عرف ارائه شده؛ برخی عرف را شامل ارتکازات ذهنی دانسته‌اند و گروهی عرف و عادت را از نظر مصداق، یکی می‌دانند، اما به نظر می‌رسد عرف با عادت جمعی، یکی باشد.^{۱۰}

علمای اصولی اهل سنت و شیعه دیدگاه متفاوتی بر مورد عرف بیان نموده، اهل سنت کاربرد عرف را در ادله شرعی دانسته، اما عرف در نزد شیعه، در تبیین موضوع حکم شرعی و روشن ساختن ظهور الفاظ و سبب استنباط حکم شرعی کاربرد دارد که گاهی تحت عنوان سنت قرار می‌گیرد و گاهی طور مستقل حجیت دارد؛ زیرا به

می‌نویسد: «والمعروف اسم لكل فعل يعرف بالعقل او الشرع حسنه و المنکر ماینکر بهما.»^۵

ایشان در تأیید مفهوم این معنا به آیه «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»؛ به هر حال با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی‌ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن!)^۶ اشاره دارد.

عرف در اصطلاح و علوم مختلف قابل بررسی است و حقوق دانان، علمای اصول، فقیهان و جامعه‌شناسان هریک بنابر دیدگاه خود، به تعریف «عرف» پرداخته‌اند.

عرف در علم حقوق؛ در میان معانی متعدد به دو معنا می‌توان اشاره کرد: **الف)** «آدابی که در گذشته‌های دور جزو عادت جامعه یا قومی بوده به نحوی که اگر آن قوم با رضایت خود، ملتزم به رعایت آن شوند و تغییری در آن صورت ندهند عرف اطلاق می‌شود.»^۷

ب) عملی که اکثریت یک اجتماع بر طبق مصلحت‌های نوعی خود به طور مکرر آن را انجام دهند، اصطلاح عرف به کار برده می‌شود.^۸

امضای شارع و یا عدم ردع وی احتیاج دارد.^{۱۱}

عرف در علم جامعه شناسی

در نگاه جامعه شناختی، عرف «به رسومی اطلاق می شود که دلالت های مهم شایست و ناشایست دارند.»^{۱۲} «رفتار فرد به طرز معناداری به سمت رفتار دیگران جهت گیری شده باشد»^{۱۳}

اقسام عرف

عرف اقسام متعددی دارد که به اختصار به آن اشاره می شود:

۱. عرف عام: همان بنای عقلا،

عبارت است از چیزی که بین اغلب مردم در جوامع مختلف، از اقوام مختلف و در زمان های مختلف رواج داشته و بسیاری از امور عمومی اجتماع بر آن استوار است، مانند رجوع جاهل به عالم.

۲. عرف خاص: عرفی که تنها

در میان گروه خاصی که عاملی خاص آنها را جمع کرده رواج دارد؛^{۱۴} مانند الفاظ و اصطلاحات مخصوصی که بین فقها، اصولیین، فلاسفه، پزشکان و ... رواج دارد. گاهی در این نوع عرف از عرف شرع

و متشرعه نیز یاد شده که زیر مجموعه عرف خاص قرار گرفته و منظور از عرف شرع اصطلاحات زمان پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) است و گاهی مصطلحات زمان صحابه را نیز به تبع زمان پیغمبر عرف شارع و عرف شرع می نامند و عرف متشرعه عبارت از اصطلاح مردمی است که شریعت را پذیرفته اند و معمولاً از زمان امام جعفر صادق (علیه السلام) به بعد را عرف متشرعه نامند. عرف متشرعه را می توان عرف فقها نامید.

۳. عرف عملی: عرفی که در

قسمتی از کارهای خاص مردم رایج است؛ مانند بیع معاطاتی که معمولاً بین مردم شایع است و آن را قبول کرده اند.^{۱۵}

۴. عرف قولی: عرفی که در آن برخی

الفاظ بر خلاف معنای لغوی خود، معنای خاصی پیدا کرده و در آن معنای خاص استعمال می شوند؛ مانند لفظ «ولد» که در لغت برای پسر و دختر وضع شده ولی در عرف، تنها بر پسر اطلاق می شود.^{۱۶}

۵. عرف صحیح: آنچه که بین

مردم رایج است و مخالف نصّ قرآن و سنت نبوده و موجب از بین رفتن منفعت و به وجود آمدن مفسده نباشد؛^{۱۷} مانند

مختلفی ارائه کرده، برخی از عرف‌ها به شکل کامل و برخی با اندکی تغییر مورد پذیرش و تأیید قرار داده (عرف ممضا) و از برخی نهی (عرف مردوع) و در برابر دسته دیگر از عرف‌ها سکوت (عرف مرسل) در پیش گرفته است.

درباره پذیرش و حجیت عرف ممضا و عدم پذیرش و حجیت عرف مردوع جای هیچ سخنی نیست، سخن تنها درباره عرف‌هایی است که هیچ گونه منع و یا امضایی درباره آن‌ها وجود ندارد، درباره حجیت عرف، نزد فقیهان شیعه، سه دیدگاه وجود دارد:

الف - حجیت ذاتی عرف

این دیدگاه حجیت و اعتبار عرف را ذاتی و بی‌نیاز از امضای مشروع می‌شمارد، حکم عرف و بنای عقلا را مستند به فطرت و برخاسته از ضرورت‌های زندگی اجتماعی می‌داند که مخالفت با آن به منزله مخالفت با مقتضیات زندگی اجتماعی، عدم رعایت مصالح و اختلال در نظام اجتماعی است و حال آن که شارع هیچ‌گاه از رعایت مصالح، حفظ نظام و پرهیز از اختلال در آن فروگذار ننموده، بلکه همواره احکام را برپایه

اطلاق لفظ بر معنایی عرفی، غیر از معنای لغوی آن و مثل این که عرف است هنگام عقد هدایایی از طرف داماد برای عروس می‌برند و آن را جزو مهریه او حساب نمی‌کنند و موارد مشابه دیگر.

۶. عرف فاسد: آنچه بین گروهی

از مردم رواج دارد و مخالف شرع است؛ این عرف‌ها معمولاً برخوردار از منشأ صحیح نیستند و اموری از قبیل: اغراض شخصی، تقلید گذشتگان، مسامحه و راحت‌طلبی نیز منشأ آفرینش آنها می‌باشند.^{۱۸}

گاهی این عرف‌های موجود میان مردم از تسامح و بی‌اعتنایی آنها به امر دین نشأت گرفته است؛^{۱۹} مانند برخی از معاملات ربوی، نوع روابط بین دختر و پسر و گزینش همسر در برخی جوامع که هرچند احیاناً عرف معمول آن مناطق به حساب می‌آید، ولی چون مخالف شرع محسوب می‌شود، به عنوان عرف فاسد شناخته می‌شود.

حجیت عرف

شرع مقدس اسلام در مواجهه با عرف‌های موجود در جامعه، عکس العمل

همین مهم جعل کرده است.^{۲۰}

تعریف و اهمیت پوشش زن

و مرد

پوشش به معنای ستر، پوشاندن،^{۲۳} لباس، پرده و حجاب^{۲۴} است. ابن دُرَید می گوید: «حَجَبْتُ الشَّيْءَ... إِذَا سَتَرْتُهُ، وَالْحِجَابُ السُّتْرُ...؛ حجاب، پوششی است که روی شیء را فرامی گیرد و حجاب یعنی پرده...»^{۲۵}

در متون دینی واژه پوشش با عنوان حجاب مطرح شده و حجاب به طور مطلق به معنای پوشش و به طور عَلَم (مشهور شده) برای رعایت امر خداوند زن در مواجهه و معاشرت با افراد نامحرم بدن خود را بیپوشاند و خودنمایی نکند. البته هنگامی سخن از حجاب و پوشش می شود آن را معطوف به حجاب زن دانسته و کمتر به پوشش مرد در جامعه عنایت شده است.

این واژه در قرآن نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته است و معنای خاصی پیدا نکرده است. در کلام وحی، غروب خورشید در داستان حضرت سلیمان این گونه توصیف می شود «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ؛ تا آن وقتی که خورشید در پشت

ب - عقل

این دیدگاه اعتبار عرف و بنای عقلا را در عقل عقلامی جوید و عرف را مرتبه ای از مراتب و طوری از اطوار عقل می داند و بر این باور است که اختلافی بین حکم عقل و عرف وجود ندارد. از این رو، به وسیله قانون، در پی اثبات شرعی بودن عرف برآمده است.^{۲۱}

ج - امضا

این دیدگاه اعتبار و حجیت عرف را منوط به کسب موافقت و امضای شارع می داند و بر این سخن است که تنها هنگامی عرف و بنای عقلا دارای اعتبار و قابل استناد است که از سوی شارع امضا شده است.^{۲۲}

جایگاه عرف در پوشش

زن و مرد

یکی از مصادیق عرف در جامعه اسلامی؛ جایگاه عرف در نحوه پوشش است. لذا لازم است قبل از آن به مباحث مقدماتی در حوزه پوشش اشاره شود:

پرده مخفی شد»^{۳۶} تعبیر حجاب با همین معنا در آیه ۵۱ سوره شوری و نیز در آیه ۵۳ سوره احزاب به کار برده شده است.

پوشش، قدمتی به اندازه ی زندگی انسان بر روی کره زمین دارد. بدیهی است نخستین پوشش هایی که زنان و مردان استفاده می کردند از شاخ و برگ درختان بوده است که در واقع تا حدودی به انسان گرمی می بخشیده آدمی از گزند حشرات تا اندازه ای محفوظ می داشته است و البته میزان پوشش به عرف، سنت و اعتقادات مردم هر جامعه بستگی دارد.

در آغاز رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) حجاب رسمی نبوده و سالها زنان و مردان حجاب کامل با وی زندگی می کردند و از سال پنجم هجری به بعد (یعنی کمتر از شش سال به وفات پیامبر) آیات پوشش نازل شد و مهمترین آیه حجاب^{۳۷} از لزوم حجاب داشتن زنان سخن گفته است آنجا که حق تعالی فرمود: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ... وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ و

به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را -جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)؛ و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان... هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد)»

این آیه بر اهمیت پوشش و حجاب زن در قرآن کریم تأکید نموده و از حجاب و پوشش مرد نیز غافل نشده است و حد و مرزی برای پوشش او قرار داده که برای حفظ حریم های عفت در جامعه، باید آن را در نظر بگیرند.

در اهمیت پوشش و حجاب مرد همان بس که قرآن کریم پیش از آنکه به زنان دستور پوشش و رعایت حجاب داده باشد به مردان امر کرده که حجابی در مقابل چشمانشان قرار دهند خداوند سبحان می فرماید: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ

إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ؛ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است؛^{۲۸} این آیه می‌گوید که مردان باید غضب بصر داشته باشند و نگاه کردن یکی از مصداق‌های مهم عفاف مردانه است.

کارکردهای پوشش زن

و مرد

پوشش و لباس در زندگی امروزی انسانها کارکردهای گسترده و متنوعی دارد در دو حوزه فردی و اجتماعی قابل بررسی است:

کارکرد فردی پوشش، همان پاسخگویی به نیاز فطری «خود استتاری» و تأمین امنیت در برابر گرما و سرما است. براساس این نیاز، انسان در هر شرایطی حتی در محیطی که کسی نباشد، تمایل درونی به بر خورداری از حداقل میزان پوشش دارد و از برهنگی می‌پرهیزد. همچنین تأمین امنیت فردی از جهت محافظت بدن از گرما و سرما و شرایط متنوع جوی (آفتاب شدید، باد و باران)، گزند حشرات موذی است. هم

چنین امنیت زن در جامعه، به وسیله پوشش فراهم می‌شود و در این صورت می‌تواند در جامعه به فعالیت پرداخته و در سنگر حجاب، حضور عینی خود را در ابعاد مختلف اجتماعی، تحقق بخشد و این عامل مهمی برای رعایت پوشش در محیط خارج از خانه محسوب می‌شود.

کارکرد اجتماعی پوشش و لباس هویت بخشی آن است، چراکه نوع پوشش نشان دهنده سنت‌ها، ارزش‌ها و باورهای یک جامعه است. مهمتر از همه، لباس امروزه نماد فرهنگی جوامع و جزئی از پیکره آن محسوب می‌شود تا جاییکه با هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جوامع گره خورده و به عنوان یکی از ابزار مهم در جهت شناسائی فرهنگ‌های مختلف و حتی تحول در ساختار فرهنگی یک جامعه بکار گرفته می‌شود.

ویژگی‌های پوشش مناسب

در نگاه اسلام

در نگاه اسلام برای پوشش مناسب زن و مرد ویژگی‌هایی قرار داده است که به اختصار به آن پرداخته می‌شود.

درصد از زنان حجاب عرفی را ارزشمند دانسته‌اند. در واقع نوعی حس و بی‌ رغبتی در خصوص حجاب شرعی در میان بخشی از افراد جامعه ایجاد شده است که موجب می‌شود آنها بین دو گزینه حجاب عرفی و شرعی، حجاب عرفی را انتخاب کند.^{۳۹} این گزارش عنوان می‌کند: «۶۰ تا ۷۰ درصد زنان در گروه محجبه‌های عرفی قرار می‌گیرند که از حجاب شرعی یعنی پوشیدگی کامل و چادر استفاده نمی‌کنند از این تعداد ۱۰ تا ۱۵ درصد بدحجاب هنجارشکن بوده و سایر افراد دارای حجاب عرفی یا بدحجاب معمولی هستند. براساس این پژوهش ۳۰ تا ۴۰ درصد از زنان در گروه باحجاب‌ها قرار دارند که تنها حدود ۱۳ درصد از آنها به صورت سنتی حجاب خود را رعایت می‌کنند و مابقی از شیوه‌های جدید حجاب مانند چادر ملی و... استفاده می‌کنند بنابراین نزدیک به ۷۰ درصد از زنان جامعه در قشر حجاب عرفی قرار دارند که با تعریف شرعی بدحجابند»^{۴۰}

ب- پوشش مختص مرد

و جوب پوشش برای زن بدان معنا

الف- پوشش مختص زن

یکی از ویژگی‌هایی که در پوشش مناسب زن در نگاه اسلام وجود دارد، رعایت حدود شرعی پوشش است. زن مسلمان تمام بدن خود را به غیر از گردی صورت به مقداری که در وضو لازم است و دست‌ها از نوک انگشتان تا مچ را بپوشاند ملاک مد نظر در دین اسلام پوشش ظاهری بدن زن به تنهایی نیست؛ بلکه در معاشرت و گفتگوهای خویش به پوشش رفتاری خود در نوع سخن گفتن، راه رفتن و حتی نوع نگاه به افراد و اطرافیان نامحرم، توجه کند و به گونه‌ای رفتار نماید که به جلوه‌گری و خودنمایی منجر نشود.

مساله حائز اهمیت در رعایت حدود شرعی پوشش توسط زن و عرف، این است که زن مسلمان به عرف مورد قبول و پذیرش اسلام توجه نموده و از عرف فاسد در پوشش پرهیز نماید، اما متأسفانه گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در خصوص تغییر ارزشمندی پوشش و حجاب از شرعی به عرفی، حاکی از آن است که حجاب شرعی برای ۳۵ درصد از افراد جامعه ارزشمند است و تقریباً ۵۵

نیست که حفظ پوشش و حجاب مختص آنها بوده و مرد با هر وضعیتی و با هر نوع پوششی می تواند درون جامعه ظاهر شود، بلکه برای او نیز محدودیت های خاصی در نظر گرفته شده و حد شرعی پوشش برای مرد مسلمان، پوشاندن عورتین است اما اگر در جایی قرار می گیرد که در معرض نگاه شهوت آلود دیگران می باشد، باید به مقدار لازم و متعارف بدن خود را بپوشاند. در تأیید این مطلب حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «لَيْسَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكْشِفَ ثِيَابَهُ عَنْ فَخْذِيهِ وَ يَجْلِسَ بَيْنَ قَوْمٍ؛ بر مرد شایسته نیست که لباس او کنار رود تاران هایش معلوم گردد و در این حال در میان قوم خود بنشیند»^{۳۱}

پس علاوه بر حد شرعی پوشش برای مرد عرف جامعه نیز ملاک است و گاهی عرف فراتر از حدود شرعی عمل نموده و در عرف متشرعه پوشیدن لباس های آستین کوتاه برای مرد را جایز نمی داند.

ج- پوشش مشترک زن و مرد

در منابع اسلامی برای پوشش مشترک زن و مرد به مواردی اشاره شده که لازم

است هر دو به آن اهتمام داشته باشند.

۱- رعایت آراستگی و پاکیزه بودن

آراسته و پاکیزه بودن از مواردی است در گزاره های دینی بحث گسترده ای در مورد آن مطرح است و از توصیه و تشویق مسلمانان به پوشش مناسب و آراستگی سرشار است. به گونه ای که آراسته و پاکیزه بودن از نشانه های ایمان^{۳۲} و اخلاق مومنان^{۳۳} شمرده شده و خداوند از انسان ژولیده کراهت دارد.^{۳۴}

در این میان، تأکید بر پوشیدن لباس سفید که نشانه پاکیزگی است در روایات وجود دارد آنجا که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «الْبِسُوا الْبَيَاضَ فَإِنَّهُ أَطْيَبُ وَأَطْهَرُ؛ لباس سفید و روشن بپوشید که پاکیزه و پاک تر است»^{۳۵} در کلام دیگر ایشان در مورد شخص ژولیده می فرماید: «خداوند متعال شخص آلوده و ژولیده را دشمن می دارد»^{۳۶}

رعایت عرف جامعه در پوشش همراه با آراستگی و پاکیزگی یکی از اصول مهم حقوق اجتماعی است؛ که فرامین الهی به آن تأکید دارد و اگر پوششی که همراه با

ژولیدگی و نامرتبی عرف شده باشد مورد قبول اسلام نخواند بود.

۲- عدم تشبه زنان و مردان به هم در پوشش

پوشیدن لباس هایی که مخصوص زنان است، برای مردان و بالعکس پوشیدن لباس های مخصوص مردان برای زنان، جایز نیست؛ یکی از مهم ترین حکمت های آن جلوگیری از تشابه دو جنس زن و مرد است؛ زیرا دوگانگی شخصیتی و بحران هویت از تأثیرات تشبیه به جنس مخالف است که زمینه انحرافات شخصی، روانی و هم اجتماعی را در پی خواهد داشت. در روایات متعددی از تشبه زنان به مردان و مردان به زنان نهی شده است و اشخاصی که خود را به شکل جنس مخالف در بیاورند یا در رفتار و لباس پوشیدن و ... خود را مانند جنس مخالف کنند مورد لعن خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) قرار گرفته اند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ؛ خدا مردانی را که شبیه زن می شوند و زنانی را که خود را شبیه مرد قرار می دهند نفرین کرده است.»^{۳۷}

بررسی روایات عصر ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز نشان از آن دارد که این تشبه در پوشش زن و مرد قبل از ظهور نمود بیشتری دارد به گونه ای عرف جامعه شده، امام باقر (علیه السلام) در روایتی برخی از مخالفتها با دستورات الهی را در آستانه ظهور اینگونه بیان فرموده است: «إِذَا تَشَبَّهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ؛ پیش از ظهور مردان به زنان و زنان به مردان تشبّه می کنند»^{۳۸}

پس در نگاه اسلام هر یک از زن و مرد باید لباس های مختص خود را بپوشند؛ اما پوشیدن لباس های مشترک اشکال ندارد. مقصود از لباس مشترک یعنی لباسهایی که در عرف مرد و زن آن را می پوشند مانند: بعضی از شلوارها و پیراهنهایی که بین زن و مرد مشترک است و ملاک در تعیین صدق تشبّه به جنس مخالف، عرف متداول هر زمان و هر مکان است؛ ممکن است پوششی در یک برهه از زمان، جزو پوشش مختص زن یا مرد باشد اما به مرور زمان و تغییر عرف جزو موارد مشترک بین هر زن و مرد شده باشد.

۳- عدم پوشش لباس های نازک و بدن نما

یکی از ویژگی های پوشش زن و مرد، ضخامت آن است؛ به گونه ای که پوست بدن از زیر آن مشخص نباشد؛ در غیر این صورت پوشش محسوب نمی شود. در دستورات اسلامی نیز از پوشیدن لباس های تنگ و نازک منع شده است. امام علی (علیه السلام) فرمود: «عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيقِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّهُ مَن رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ لَا يَقُومَنَّ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَي رَبِّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَ عَلَيْهِ تَوْبٌ يَصِفُهُ؛ لباس ریزبافت و ضخیم بپوشید، هر که لباسش نازک است دینش نازک است هنگام نماز لباس بدن نما نپوشید»^{۳۹}

عرف جامعه پوشش لباس های نازک و بدن نما را برای زن و مرد نمی پذیرد و این همان همسویی شرع و عرف در پوشش است.

۴- عدم پوشش لباس شهرت

لباس شهرت، لباسی است که پوشیدن آن برای شخص، به جهت جنس پارچه یا رنگ یا کیفیت دوخت یا مندرس بودنش

و مانند آن، معمول نبوده و خلاف شأن او به حساب آید؛ به طوری که اگر آن را در برابر مردم بپوشد، توجه آنان را به خود جلب کرده و انگشت نامی شود^{۴۰} و بر زن و مرد است که از پوشش لباس شهرت پرهیز نمایند در شرع اسلام به دلیل اینکه موجب خود بزرگ بینی یا حقارت یا ایجاد ضعف شخصیت و یا هتک حرمت و خواری مسلمان می گردد ممنوع است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «کسی که در دنیا لباس شهرت بپوشد، خداوند روز قیامت بر او لباس ذلت خواهد پوشانید»^{۴۱}

امام صادق (علیه السلام) نیز فرموده اند: «كَفَى بِالْمَرْءِ خِزْيًا أَنْ يَلْبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ؛ برای انسان از نشانه های خفت و خواری همین بس که لباسی بپوشد که به آن مشهور شود»^{۴۲}

در تعیین معنای لباس و پوشش شهرت عرف و زمان و تاریخ نیز تاثیر گذار است، اگر فردی لباس اقوام باستانی را امروزه بپوشد، حتی در یک محیط پر جمعیت کاملاً انگشت نما می شود و در عرف لباس شهرت محسوب می شود. در تأیید این

کراهت برداشته می شود، زیرا برخی روایات، مناسبترین پوشش را منوط به نظر عرف دانسته‌اند؛ مثلاً چادر مشکی از نظر عرف این زمان، بهترین پوشش زنان و متناسب با شخصیت آنان شناخته شده است.

سیره اهل بیت (علیهم السلام) در پوشش زن و مرد متناسب با عرف جامعه

به سبب اهمیت مراعات عرف جامعه در پوشش زن و مرد جداگانه این بحث از منظر اهل بیت (علیهم السلام) بررسی می شود.

یکی از معیارهای انتخاب لباس در سیره اهل بیت (علیهم السلام)، در نظر گرفتن عرف مردم است. امام صادق (علیه السلام) در تبیین این معیار به چند نکته مهم اشاره فرموده است:

اول: در دوران حکومت امام علی (علیه السلام)، استفاده رهبر جامعه از لباس کهنه و وصله دار، در عرف مردم، ناپسند نبوده و عیب شمرده نمی شده است؛ ولی در روزگار زندگی امام صادق علیه السلام، آن نوع لباس، لباس شهرت به شمار می آمده و در نتیجه استفاده از آن، ناپسند بوده است.

مطلب روایاتی است که به نحوه پوشش متفاوت امام صادق (علیه السلام) با لباس فاخر با پوشش حضرت علی (علیه السلام) با لباس و پوشش خشن اشاره دارد آنجا که فردی روایت می - کند: «ترد امام صادق (علیه السلام) بودم مردی به آن حضرت گفتم: به ما گفته اند که حضرت علی (علیه السلام) لباس خشن و کم قیمت می پوشید اما لباس شما لباس خوبی است. امام (علیه السلام) در جواب او فرمودند: «حضرت علی (علیه السلام) آن لباس را در زمانی می پوشیدند که زشت نبود ولی اگر من در این زمان آن لباس را بپوشم به آن شهرت پیدا می کنم. بهترین لباس برای هر زمان لباس اهل آن زمان است.»^{۴۳}

عرف جامعه در رنگ لباس که مصداق لباس شهرت باشد یا نه نقش تعیین کننده دارد. رنگ لباس یکی از مسائل شخصی و سلیقه‌ای است که اسلام همگان را در انتخاب و اختیار آن مجاز می داند اما در عین حال نسبت به بعضی رنگها توجه شده، به عنوان نمونه کراهت لباس مشکی برای زن و مرد^{۴۴} یا تأکید بر پوشیدن لباس سفید دارد. اگر عرف مذهبی استفاده از پوشش سیاه را روا بشمارد ظاهراً حکم

بنا بر این، کسانی که می خواهند از خاندان رسالت در انتخاب لباس الگو بگیرند، نمی توانند از لباسی که موجب انگشت نما شدن آنها می شود، استفاده کنند.

دوم: الگوی مناسب برای انتخاب لباس در هر دوران، لباس متعارفی است که معمولاً مردم از آن استفاده می کنند: «خَيْرُ لِبَاسِ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسُ أَهْلِهِ؛ بهترین جامه برای هر روزگار، جامه مردم همان زمان است.»^{۴۵}

گفتنی است که این معیار، شامل لباس های سنتی همه اقوام و اقشار جامعه در دوران های مختلف می گردد.

سوم: استفاده از لباس های زیبا و نفیس در زمانی که عامه مردم می توانند از این نوع لباس ها استفاده کنند، نه تنها نکوهیده نیست، بلکه سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل بیت (علیهم السلام) است. به همین جهت، وقتی سفیان ثوری از لباس زیبا و فاخر امام صادق (علیه السلام) انتقاد کرده امام (علیه السلام) پاسخ او را با این جمله آغاز فرمود: «لِسَمْعِ مَنِي وَعَ مَا أَقُولُ لَكَ، فَإِنَّهُ خَيْرٌ لَكَ عَاجِلًا وَ آجِلًا، إِنَّ أُمَّتَ مَتَّ عَلَى السُّنَّةِ وَ الْحَقُّ وَ لَمْ تُمَّتْ عَلَى

بِدْعَةٍ؛ از من بشنو و آنچه را به تو می گویم، حفظ کن؛ زیرا این در دنیا و آخرت به نفع توست، اگر بر سنت و حق بمیری و بر بدعت، از دنیا نروی.»

در ادامه ایشان بیان نموده اگر چنان لباس هایی را امروز بپوشد، موجب شهرت می گردد. پس، بهترین لباس هر زمانی لباس مردم آن زمان است.

نتیجه

پوشش و حجاب امری مسلم در جامعه اسلامی است که رعایت مقدار شرعی آن برای زن و مرد لازم و ضروری است. اما از سوی دیگر نقش عرف جامعه در پوشش از اموری غیر قابل انکاری است که باید مورد توجه قرار بگیرد. امروزه حضور گسترده زنان در اجتماع و توجه به پوشش عرفی و دوری از پوشش متداول عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و کیفیت متفاوت پوشش مردان در حال حاضر از مواردی است که این موضوع را دستخوش تغییر قرار داده و در اهمیت آن همین بس که سیره اهل بیت (علیهم السلام) نیز متناسب با عرف متشرعه جامعه قرار گرفته است.

پی نوشت ها

- ۱- حسن، مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۹۷. مانند یال اسب که به آن «عرف الفرس» می گویند؛ زیرا موهای یال در کنار هم قرار دارند.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی ذیل خطبه شقشقیه.
- ۳- سوره اعراف، آیه ۴۸
- ۴- محمدبن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، بیروت: دار الصادر، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۳۹۳.
- ۵- حسین بن محمد، راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دمشق- بیروت: دار القلم- دار الشامیه، ۱۴۱۲ ص ۳۳۱- ۳۳۲
- ۶- سوره اعراف، آیه ۱۹۹.
- ۷- علی پاشا صالح، فرهنگ نامه صالح، فشرده ای از اصطلاحات حقوقی سیاسی، اقتصادی و معارف اسلامی انگلیسی به فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۹۴
- ۸- محمدجعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، بی جا: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۸، ص ۴۴۸
- ۹- محمد حسن، آشتیانی، بحر الفوائد قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۷۱.
- ۱۰- ر. ک: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه، قم: دفتر

- تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۵۷۰.
- ۱۱- ر. ک: عبد الرحمان محمود معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة، بی جا: بی نا، بی تا، ج، ص ۴۰۴.
 - ۱۲- بروس کوئن، درآمدی به جامعه شناسی (ترجمه محسن ثلاثی)، تهران: انتشارات نوبهار، ۱۳۷۴، ص ۳۹.
 - ۱۳- همان، ص ۶۵
 - ۱۴- ر. ک: مجتبی، ملکی اصفهانی، فرهنگ اصطلاحات اصول، مقدمه جعفر سبحانی تبریزی، قم: عالمه، چاپ اول، ۱۳۷۹، ش ج ۱، ص ۳۸۷- ۳۸۸.
 - ۱۵- خرازی، سید محسن، مجله مشکوه، ش ۲۱، مقاله پژوهشی پیرامون عرف، ص ۵.
 - ۱۶- همان، ص ۶.
 - ۱۷- محمود سلجوقی، نقش عرف در حقوق مدنی ایران، کرمان: میزان، ۱۳۴۷، ص ۴۱.
 - ۱۸- ابوالقاسم، علیدوست فقه و عرفه تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸، صص ۶۷- ۶۸.
 - ۱۹- مرتضی، شیخ انصاری، المکاسب، بی جا: چاپ سنگی، بی تا، صص ۸۳ و ۱۱۶.
 - ۲۰- محمد حسین، طباطبایی، حاشیة الکفایة، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ اول، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۸، ۲۰۵.
 - ۲۱- همان.
 - ۲۲- ر. ک: محمد تقی، حکیم، الاصول العالم لفقہ المقارن، قم: جامعه اسلامی اهل البيت (ع)،

- ۱۳۸۷، ص ۱۹۸.
- ۳۳ - فرهنگ دهخدا ذیل واژه پوشش
- ۳۴ - فرهنگ معین ذیل واژه پوشش
- ۲۵ - محمد ابن ذریه، جمهره اللغه، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷ م، ذیل واژه حجب.
- ۲۶ - سوره ص، آیه ۳۲.
- ۲۷ - سوره نور، آیه ۳۱.
- ۲۸ - سوره نور، آیه ۳۰.
- ۲۹ - عوامل موثر بر اجرایی شدن سیاست های حجاب و راهکارهای پیش رو، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره خبر: ۱۰۶۷۳۱۰ تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۵/۶.
- ۳۰ - بتول، بلالی، گرایش زنان به حجاب عرفی، هفته نامه محلی استان کرمان پاسارگاد بارگزاری مقاله ۱۵ مرداد ماه ۱۳۹۷. خبر آنلاین
- کد خبر ۷۲۹۲۶
- ۳۱ - محمد بن حسن، حر عاملی، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت، اول، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۲۳.
- ۳۲ - حسین بن محمد تقی، نوری، مستدرک الوسائل، بیروت - لبنان: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۰۱؛ مغربی، ابوحنیفه، دعائم الاسلام، موسسه آل البيت، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۰.
- ۳۳ - عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات امام عصر، ۱۳۸۹، ص ۴۳۵.
- ۳۴ - محمد بن یعقوب کلینی، کافی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۶، ص ۱۴۰؛
- طوسی، محمد بن حسن، امالی طوسی، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۷۵.
- ۳۵ - محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۴۵.
- ۳۶ - ابوالقاسم، پاینده، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، اصفهان: خاتم الانبیاء، ۱۳۸۵، ص ۳۰۴.
- ۳۷ - محمد بن علی، ابن بابویه قمی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، بیروت لبنان: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰، ص ۲۶۷.
- ۳۸ - لطف الله صافی، منتخب الاثر، بیروت لبنان: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳، ص ۴۲۸.
- ۳۹ - حسن بن علی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، موسسه آل علی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳.
- ۴۰ - علی خامنه ای، اجوبه الاستفتات، س ۱۳۶۱.
- ۴۱ - محمد، محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۰۶.
- ۴۲ - محمد حسن، حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۴.
- ۴۳ - همان، ج ۵، ص ۱۷.
- ۴۴ - همان، ج ۴، ص ۳۸۲.
- ۴۵ - محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۵، ص ۴۴۴.

منابع

قرآن کریم ترجمه مکارم شیرازی

نهج البلاغه ترجمه دشتی

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، بیروت لبنان: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰.

۲. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم: موسسه آل علی، ۱۳۸۲.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الصادر، ۱۴۱۴.

۴. ابن ذرّید، محمد، جمهره اللغه، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷ م.

۵. آشتیانی، محمد حسن، بحر الفوائد، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳.

۶. بروس کوئن، درآمدی به جامعه شناسی (ترجمه محسن ثلاثی)، تهران: انتشارات نوبهار، ۱۳۷۴.

۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه وآله)، اصفهان: خاتم الانبیاء، ۱۳۸۵.

۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات امام عصر، ۱۳۸۹.

۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، بی جا: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۸.

۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البیت، اول، ۱۴۱۶.

۱۱. حکیم، محمد تقی، الاصول العالم لفقّه

المقارن، قم: جامعه اسلامی اهل البیت (ع)، ۱۳۸۷ ق،

۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد المفردات فی غریب القرآن، دمشق - بیروت: دار القلم - دار الشامیه، ۱۴۱۲.

۱۳. سلجوقی، محمود، نقش عرف در حقوق مدنی اسلام، کرمان: میزان، ۱۳۶۷ ش.

۱۴. شیخ انصاری، مرتضی، مکاسب بی جا: چاپ سنگی، بی تا.

۱۵. صافی، لطف الله، منتخب الاثر، بیروت لبنان: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳.

۱۶. صالح، علی پاشا، فرهنگ نامه صالح، فشرده ای از اصطلاحات حقوقی سیاسی، اقتصادی و معارف اسلامی انگلیسی به فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۳.

۱۷. طباطبایی، محمد حسین، حاشیه الکفایه، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ اول، بی تا.

۱۸. طوسی، محمد بن حسن، امالی طوسی، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۸.

۱۹. علیدوست، ابوالقاسم، فقه و عرف تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹.

۲۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۳۸۹.

۲۲. محمود عبد الرحمان، معجم المصطلحات

والألفاظ الفقهييه

۲۳. بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۲۴. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
۲۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۲۶. مغربی، ابوحنیفه، دعائم الاسلام، موسسه آل البيت، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۲۷. ملکی اصفهانی، مجتبی، فرهنگ اصطلاحات اصول، مقدمه، جعفر سبحانی تبریزی، قم: عالمه، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۲۸. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، بیروت- لبنان: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸.

مقالات

۲۹. عوامل موثر بر اجرایی شدن سیاست های حجاب و راهکارهای پیش رو، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره خبر: ۱۰۶۷۳۱۰ تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۵/۶.
۳۰. بلالی، بتول، گرایش زنان به حجاب عرفی، هفته نامه محلی استان کرمان پاسارگاد بارگزاری مقاله ۱۵ مرداد ماه ۱۳۹۷. خبر آنلاین کد خبر ۷۹۲۹۲۶
۳۱. خرازی، سید محسن، مقاله پژوهشی پیرامون عرفه مترجم: سلطانی گل شیخی، مجله مشکوه ش ۲۱.

الهی!

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سِوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ
مِنَ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

آیه ۳۶ سوره مبارکه اعراف

ای فرزندان آدم، محققا ما لباسی که ستر عورات شما کند و جامه‌هایی که به آن تن را بیارایید برای شما فرستادیم و لباس تقوا نیکوترین جامه است. این سخنان همه از آیات خداست (که به بندگان فرستادیم) شاید خدا را یاد آرند





«شکل لباس، چه پوشیدن، چگونه پوشیدن و از کدام الگوی پوشش استفاده کردن، جزو مصادیق و نمونه های بارز فرهنگ عمومی جامعه است که در مسیر زندگی و حرکت های آینده یک ملت در درازمدت تأثیر دارد. هیچ دستگاه قدرتمندی، بدون آنکه فرهنگ مردم و بینش آن ها را اصلاح کند، نمی تواند در جامعه ای، علم و کار، تلاش و سعی، نوآوری و تعامل خوب و برادرانه، معرفت به انسان، طبیعت و تاریخ و راه های زندگی را ایجاد کند. این ها صفاتی است که در صدر اسلام، از یک جماعت کوچک، یک ملت عظیم و مقتدر درست کرد. در حقیقت آنچه در آغاز، از پیشرفت و ترقی برای انسان ها به وجود آمد، ناشی از همین فرهنگ اسلامی بود.»

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار وزیر و مسئولان «وزارت ارشاد» و «اعضای شوراهای فرهنگ عمومی کشور» ۱۳۷۴/۰۴/۱۹



www.zeynaby.ir

نشانی: آیت الله بهجت ۲۳، نیش
چهارراه اول سمت راست پ ۴۸
تلفن: ۵۹ - ۲۲۹۰۰۵۶ سامانه
پیام کوتاه: ۳۰۰۳۳۰۰۱۳۹۰۹۱

info@zeynaby.ir